

عهد

سال ۱۵، شماره ۱۹۳، پاییز ۱۴۰۴

هفته نامه فرهنگی، سیاسی، اجتماعی،

اقتصادی، دانشجویی عهد

شماره مجوز: ۳۴۵/ک ن ش



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

شناسنامه

هفته نامه فرهنگی ، سیاسی ، اجتماعی ، اقتصادی، دانشجویی عهد

سال ۱۵ ، شماره ۱۹۳ ، پاییز ۱۴۰۴

تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۰۸/۰۱

شماره مجوز : ۳۴۵/ک ن ش

صاحب امتیاز : بسیج دانشجویی دانشگاه شیراز

مدیر مسئول : فائزه ریاحی

سردبیر: فائزه ریاحی

هیات تحریریه : فائزه ریاحی، فاطمه عمادی مقدم، علی

علیپور، علی عقیدی، مهتاب سلیمانی، محمد محمدی

گرافیکست: خانه طراحان دانشجویی میعاد (علیرضا زارع)

فهرست مطالب

..... سخن سردبیر	۵
..... بخش اول: اقتصادی	۷
..... الف) اقتصاد و جنگ ۱۲ روزه	۸
..... ب) لیبرالیسم یا اقتصاد دستوری	۱۲
..... بخش دوم: سیاسی	۱۹
..... الف) وقتی جنگ، پرده از یک روایت برداشت	۲۰
..... ب) ۱۲ روز ۱۲ روایت	۲۲
..... بخش سوم: فرهنگی	۲۵
..... الف) دی‌ان‌ای ایرانی در جنگ ۱۲ روزه خودش را نشان داد	۲۶
..... ب) وقتی فرهنگ سپر می‌شود و هویت، دوباره متولد	۳۰
..... بخش چهارم: زنان	۳۵
..... الف) زنان؛ میراث‌داران پرچم و روایت	۳۶
..... ب) زن ایرانی در جنگ دوازده‌روزه ستون خیمه مقاومت بود	۴۰
..... ج) زن ایرانی در جنگ روایت‌ها	۴۱

سخن سردبير

از بغض دانشجو تا فریاد یک ملت

فائزه ریاحی

سردبیر هفته نامه عهد

فرخنده باد پیوند ها! ... نمی دانم چه سری بود ؛ اما بعدها فهمیدم ...

به وقت غدیر ۱۴۰۴، زمانی که باران موشک را سرریز شانه های بی دفاع مردمانم کردند، ملتی که شریف، با وقار، مهربان هستند.

نتانیاهو چه می گفت؟! آری! مشکل از مردم ایران نیست، حکومت باید عوض شد! شغال پست برای همین نقش رذالت خود را بر تن کودک، نوزاد، پیر، جوان و زنان پرمهری که ریشه شان از عطوفت است ترسیم نمودی؟!!

کجا بودیم؟ به وقت غدیر! این رسالت بود، اینکه بعد از واقعه تلخ جمعه ای که حاج قاسم را از ما گرفت یک جمعه خونین دیگر نقش پرده تاریخ شود، هدف بود که ما دانشجویها بغضمان را در مشتمت های گره کرده مان پنهان کردیم اما ایستادیم

! با جنگ رسانه ای کشتی گرفتیم و البته که آگاهی بازوی همیشه چیره است!

افکارمان گرگ و میش به صحرا خفته بود که رهبر عزیزمان سیدعلی خامنه ای خورشید آگاهی اش را به ما تاباند، غبار زدوده شد و اکنون ما مردان عمل هستیم!

به کوچه ها رفتیم، به خیابان ها، پهپادهایی که بال پروازشان کبر و نفاق وطن فروشان خائن بود را با هوشیاری و غیرت مان نقش بر زمین کردیم.

به خانه ها رفتیم، با صدا و سیمایی که بانگ آزادی و شجاعتش به گوش های شیطان سیرتان سنگین نمود و به موشک بستنش؛ اما چه شد؟!!

ققنوسی از خاکسترش بیدار شد به نام سحر امامی اسوه جسارت شیرزن ایرانی که سیلی محکمی بر صورتشان شد!

تاریخ دوباره تکرار شد این بار آرش های کمانگیر بیشتر و تیر هایشان قوی تر، قداست و قدرت این مرز و بوم را بر مغز پوک دشمنانش حک کردند.

۱۲ روز ما طولانی گذشت، سخت بود ادعایی بر آسانی نیست اما در آغوش خدا، جنگ ما بوی اتحاد گرفت ایران یک نوا و همدل شد، ریسمان هایی نامرئی ما را بهم پیوند زد که سرتیتر خبرها بنویسند "تا پای جان برای ایران" ان زمان بود که

فهمیدیم جنگی که با غدیر شروع می شود نمادش اتحاد است و رسمش معنویت! فرقی نمی کند متجاوزان تا کجای زمان پا برهنه به دنبال وجبی از خاک این سرزمین باشند، تاریخ برای ما همیشه سکوی اول پیروزی را تقدیر می نویسد.



بخش اول

اقتصادی

الف) اقتصاد و جنگ ۱۲ روزه
ب) لیبرالیسم یا اقتصاد دستوری



فائزه ریاحی
کارشناسی ارشد پژوهش فرش
دانشگاه شیراز

۱۲ روز تنش؛ یک سال سوال

چرا جنگ کوتاه، اقتصاد ایران را وارد

مسیر تازه ای کرد؟

.....
.....
.....

مصاحبه خود را این طور شروع کردم:

بفرمایید خودتان را معرفی کنید و صحبت خودتان را شروع بفرمایید:

بنده محمد رضا فرزین هشتم متولد ۱۳۴۴ سیاستمدار، اقتصاددان و مدرس دانشگاه و توفیق شد از دولت سیزدهم تا الان خدمتگزار مردم به عنوان بیست و یکمین رییس بانک مرکزی باشم.

درباره جنگ دوازده روزه بفرمایید:

امسال چهل و دو سال از تاسیس قانون بانکداری اسلامی می‌گذرد، اما اخیراً کشورمان ایران دوران جنگ ۱۲ روزه را طی کرده است و همچنان با برخی از آثار آن در اقتصاد کشور روبرو هستیم و سیاست‌های پولی بانک مرکزی با توجه به شرایط جدید باعث شده تا یک چرخش در برخی از سیاست‌های پولی و ارزی رخ دهد.

در رابطه با سیاست‌های پولی سال گذشته کمی توضیح دهید که به چه صورت بود:

نرخ رشد اقتصادی حدوداً به ۳.۲ درصد رسید و با توجه به سیاست‌های جدید انتظار می‌رفت که نرخ رشد کاهش شدیدی پیدا نکند و افت در نرخ رشد رخ ندهد. از سال ۱۳۹۹ تا ماه‌های اخیر نرخ رشد اقتصادی بالا و مثبتی را تجربه کردیم و امیدوار بودیم که در سال جاری نیز ثبات در نرخ رشد حفظ شود. در ماه‌های فروردین و اردیبهشت ماه سال ۱۴۰۴ نیز نرخ رشد اقتصادی ۲.۶ درصد و اردیبهشت ماه نیز ۲.۷ درصد بود و بخش خدمات عملکرد بهتری داشت؛ اما از خرداد ماه و با آغاز جنگ یک رکود هم در بخش تولید و هم در بخش تقاضا ایجاد شد.

ایشان در ادامه فرمودند:

کاهش درآمدهای دولت بر اثر جنگ ۱۲ روزه، وضعیت کسری بودجه را تشدید کرد و لزوم تمرکز بر تأمین مالی را دوجندان ساخت. این موضوع همراه با افت رشد اقتصادی، افزایش تقاضا برای نقدینگی را نیز به همراه داشت.

برای بسیاری از جوانان و دانشجویان، جنگ ۱۲ روزه فقط یک خبر نبود؛ یک علامت سؤال بزرگ بود. چرا این جنگ کوتاه توانست اقتصاد را تکان دهد؟ چرا سیاست‌های پولی تغییر کرد؟ پاسخ این پرسش‌ها را در گفت‌وگو با رئیس کل بانک مرکزی جست‌وجو کردیم.

چند ماهی است که از دوران جنگ دوازده روزه گذر کردیم و همچنان برخی از آثار آن در اقتصاد کشور را مشاهده می‌کنیم و سیاست‌های پولی بانک مرکزی با توجه به شرایط جدید باعث شده تا یک چرخش در برخی از سیاست‌های پولی و ارزی رخ دهد.

جنگ همیشه تاثیرات عمیقی بر ابعاد مختلف کشورها خصوصاً اقتصاد آن کشور دارد. حتی می‌توان گفت جنگ‌ها پایان می‌یابند اما درگیری و پس‌لرزه‌های آن بر اقتصادها نقطه پایان مشخصی ندارند.

این اثرگذاری تنها دو طرف درگیر در یک جنگ را شامل نمی‌شود بلکه با توجه به موقعیت طرفین درگیر از همه جهات، می‌تواند یک منطقه خاص جغرافیایی و حتی جهان را نیز وارد چالشی مهم در بحث اقتصاد کند مخصوصاً اگر پای دو عنصر حساس اقتصادی یعنی انرژی و نفت هم در میان باشد.

جنگ ۱۲ روزه ایران و اسرائیل، که به عنوان یک جنگ کوتاه مدت اما پرازنش در منطقه خاورمیانه شناخته می‌شود، با توجه به موقعیت ژئوپولیتیکی و حساسیت‌های سیاسی دو طرف، اثرات قابل توجهی بر ساختار و عملکرد اقتصادی آن‌ها داشته است که ما به بحث اقتصاد کشورمان ایران می‌پردازیم بحثی که ذهن خیلی‌ها خصوصاً نسل جوان و قشر دانشجو را درگیر کرده است.

برای این مسئله مهم و حساس که از زمان جنگ ذهن من را درگیر خودش کرده بود به مصاحبه‌ای با رییس کل بانک مرکزی آقای محمد رضا فرزین هشتم تا شاید گره‌های ذهنی‌ام باز شود و تا جای ممکن سوالاتم به جواب برسد.

او از بازگشت تدریجی اقتصاد خبر داد و گفت: «در مردادماه و پس از دو ماه رشد منفی، بخش تولید با رشد مثبت ۱.۹ درصد مواجه شد و امیدوارم با عبور از وضعیت فعلی به شرایط عادی بازگردیم».

از سیاست‌های پولی در دو سال گذشته بفرمایید که به چه صورت پیش رفت :

ما در دو سال گذشته توانستیم در نرخ رشد نقدینگی که بالای ۴۰ درصد بود به نرخ رشد متوسط ۵۰ ساله کشور نزدیک شویم که ۲۵ درصد بود؛ اما متأسفانه در سال جاری و پس از جنگ تقاضای نقدینگی شدید افزایش پیدا کرد که ما باید تصمیم می‌گرفتیم که همچنان نقدینگی را در سطح قبلی حفظ یا به آن پاسخ بدهیم. و فشار مضاعف بر نظام بانکی باعث شد نرخ رشد نقدینگی از کانال ۲۰ درصد به کانال ۳۰ درصد برسد که مهار رشد نقدینگی بدون ایجاد انسداد پولی دشوار است.

از برنامه هفتم بگویید:

برنامه هفتم، دستیابی به میانگین رشد اقتصادی ۸ درصد تا سال ۱۴۰۷ را هدف‌گذاری کرده است؛ با این حال، نرخ رشد تولید ناخالص داخلی (GDP) ایران از تابستان ۱۴۰۲ وارد روندی نزولی شده و در بهار ۱۴۰۴ با ثبت رشد منفی ۰.۱ درصد، به پایین‌ترین سطح در پنج سال اخیر رسیده است. این وضعیت، نگرانی‌ها درباره احتمال ورود اقتصاد ایران به دوره رکود توری را تشدید کرده است.

بر اساس گزارش مرکز آمار ایران، تولید ناخالص داخلی (با قیمت‌های ثابت) در بهار ۱۴۰۴ پس از ۱۷ فصل رشد مثبت متوالی، به منفی ۰.۱ درصد رسید. این کاهش، نشانه‌ای از توقف روند بهبود اقتصادی و احتمال ورود به رکود توری است. همچنین، اقتصاد بدون نفت با ثبت رشد منفی ۰.۴ درصد، به روند کاهشی بلندمدت خود ادامه خواهد داد.

تسهیلات بانکی به چه صورت است:

رشد ۳۱.۴ درصدی تسهیلات امسال ناشی از ابزارهایی مانند

«کارت رفاهی»، «برات الکترونیک» و «اوراق متصل به گام» است و سهم استان تهران از تسهیلات بانکی ۶۰ درصد و از سپرده‌ها ۵۸ درصد است، در حالی که سهم آن در تولید ناخالص داخلی تنها ۲۲ درصد است. برای رفع این عدم‌توازن، اختیارات شعب در استان‌ها و شهرستان‌ها به‌ویژه در اعطای تسهیلات کلان افزایش یافت.

برای اصلاح ساختار بانکی چه کار باید انجام داد:

«در سه سال اخیر دو سیاست مهم دنبال شد؛ نخست رسیدن بانک‌ها به پایداری از طریق افزایش کفایت سرمایه و ذخایر. سرمایه بانک‌ها از ۳۳۶ هزار میلیارد تومان در سال ۱۴۰۰ به ۹۰۰ هزار میلیارد در سال جاری رسید و پیش‌بینی می‌شود تا پایان سال از ۱۳۰۰ هزار میلیارد تومان عبور کند».

در حال حاضر ۱۴ بانک دارای نسبت کفایت سرمایه بالای ۸ درصد هستند (در سال ۱۴۰۱ این رقم تنها هفت بانک بود) و فقط شش بانک کفایت سرمایه منفی دارند که برای بهبود وضعیت آن‌ها حدود ۱۴۰۰ هزار میلیارد تومان منابع نیاز است. به باور او، تخصیص شدن بانک‌ها شرط اصلی تحقق این هدف است.

در پایان هم به موضوع مالکیت بانک‌ها اشاره شد و ایشان گفتند:

«طبق قانون، مالک باید حداقل ۳۳ درصد سهام را در اختیار داشته باشد تا پاسخ‌گویی در حوزه مدیریت و مالکیت شفاف شود، در حالی که رویه‌های گذشته تصویر روشنی از ساختار مالکیت ارائه نمی‌کردند» .



فائزه ریاحی

کارشناسی ارشد پژوهش فرش

دانشگاه شیراز

69

لیبرالیسم یا اقتصاد دستوری

بی‌ثباتی روانی، ناترازی انرژی و سقوط شاخص‌های کلان، اقتصاد ایران را وارد مرحله‌ای تازه از رکود ساختاری کرده است.

بحران را جبران کنند، بلکه بنیانی جدید برای توسعه‌ای پایدار و مقاوم پایه‌گذاری کنند. جنگ‌ها از جمله رویدادهایی هستند. جنگ‌ها، حتی اگر از نظر زمانی کوتاه باشند، آثار روانی عمیقی بر فضای اقتصادی و سرمایه‌گذاری کشورها بر جای می‌گذارند، تاثیرات عمیق و پیچیده‌ای که بر ساختار اقتصادی هر ملت می‌گذارند و این تنها به آسیب‌های زیرساختی یا خسارات مالی محدود نمی‌شوند؛ بلکه اعتماد عمومی به سیاست‌گذاری، ساختارهای درآمدزایی، انگیزه تولید و حتی مهاجرت نخبگان و سرمایه‌های انسانی را نیز تحت تأثیر خود قرار می‌دهند.

موقعیت امروز اقتصاد ایران بعد از جنگ دوازده روزه، نمونه‌ای از این معادله پیچیده و چندوجهی است.

جنگ ۱۲ روزه تنها یک درگیری نظامی کوتاه‌مدت نبود؛ نقطه‌ای بود که ضعف‌های پنهان اقتصاد ایران را آشکار کرد. از افت شدید رشد اقتصادی و کاهش سرمایه‌گذاری تا ناترازی انرژی، بی‌ثباتی ارزی و فرسایش اعتماد عمومی، مجموعه‌ای از عوامل در کنار هم اقتصاد کشور را در شیبی نزولی قرار داده‌اند. اکنون پرسش اصلی این است: آیا سیاست‌گذاری اقتصادی ایران می‌تواند از این چرخه فرساینده عبور کند یا رکود تورمی به واقعیت مسلط سال‌های آینده تبدیل خواهد شد؟

■ چکیده:

پس از هر بحران بزرگ، کشورها وارد مرحله‌ای تازه از آزمون و خطا در حوزه اقتصاد می‌شوند تا نه تنها آسیب‌های مستقیم

مقدمه:

اقتصادی، مدیریت بحران و طراحی بازارهای مقاوم در برابر شوک‌های اجتماعی و نظامی باشد.

مشکل اقتصاد ایران چیست؟

با توجه به قطع برق شهرک‌های صنعتی در تابستان امسال که به چهار روز در هفته رسیده بود و همچنین تعلیق‌های پس از جنگ ۱۲ روزه و تبعاتی که بر تولید گذاشت، روند افت رشد اقتصاد در فصل بعد به صورت شدیدتری ادامه داشته باشد.

نرخ رشد تولید ناخالص داخلی در بهار ۱۴۰۰، ۳/۸ درصد و در بهار ۱۴۰۱، ۷/۴ درصد، در بهار ۱۴۰۲، ۴/۴ درصد و در بهار ۱۴۰۳، ۷/۴ درصد بود که در بهار امسال به منفی ۱/۰ درصد رسید. این روند یعنی کشور دوران رکود را طی می‌کند و شرایط اقتصادی کشور مناسب نیست و حتی رو به افول است، این در حالی است که در برنامه هفتم توسعه که در دولت قبل تهیه و تصویب شد و رییس جمهور دولت چهاردهم خود را موظف به اجرای آن می‌داند، برای رشد ۸ درصدی هدف‌گذاری شده است که فعلاً در سال اول اجرا این رشد منفی است.

براساس محاسبات فصلی که مرکز آمار ایران در قالب ۱۸ بخش اصلی متشکل از ۵۰ رشته فعالیت انجام داده، در سه‌ماهه اول امسال، گروه کشاورزی با زیربخش‌های زراعت و باغداری، دامداری، جنگل‌داری و ماهیگیری، رشد ۷/۲-، گروه صنایع و معادن با زیربخش‌های استخراج نفت خام و گاز طبیعی، استخراج سایر معادن، صنعت، تأمین آب و برق، توزیع گاز طبیعی و ساختمان رشد ۳/۰- و گروه خدماتی با زیربخش‌های عمده و خرده‌فروشی، فعالیت‌های خدماتی مربوط به تأمین جا و غذا، حمل و نقل، انبارداری، پست، اطلاعات و ارتباطات، فعالیت‌های مالی و بیمه، مستغلات، کرایه و خدمات کسب و کار و دامپزشکی، اداره امور عمومی و خدمات شهری، آموزش، فعالیت‌های مربوط به سلامت انسان و مددکاری اجتماعی و سایر خدمات عمومی، اجتماعی، شخصی و خانگی ۵/۰ درصد نسبت به سه‌ماهه اول سال ۱۴۰۳ رشد داشته‌اند که افت این گروه‌ها کاملاً مشهود است

کشور ما به دلیل چندین سال درگیری و تحریم‌های خارجی، مجال بازسازی اقتصاد را با چالش‌هایی مضاعف روبرو کرده است. اقتصاد ایران پس از آخرین جنگ، هنوز نتوانسته تعادل مطلوبی میان سیاست‌های رفاهی، ترمیم زیرساخت، جذب سرمایه، کنترل تورم و حفظ ارزش پول ملی ایجاد کند. این ناکامی، علیرغم شعارها و برنامه‌های متعدد اعلام‌شده برای خروج از رکود و رونق تولید، فضای اقتصادی کشور را در وضعیت شکننده‌ای قرار داده و باعث نگرانی عمیق فعالان اقتصادی، کارآفرینان، متخصصان و حتی مردم عادی شده است.

جنگی که تنها ۱۲ روز به طول انجامید، در نگاه نخست شاید از حیث زمان، چندان تاثیرگذار به نظر نرسد اما آسیب‌های نظامی، تخریب زیرساختی، ایجاد بی‌ثباتی روانی و مختل شدن تجارت خارجی نمونه‌هایی بدیهی از نتایج بلاواسطه این واقعه است.

جنگ ۱۲ روزه میان ایران و اسرائیل در خرداد ۱۴۰۴ (ژوئن ۲۰۲۵)، به‌عنوان یک بحران ژئوپلیتیکی مهم در خاورمیانه، تأثیرات گسترده‌ای بر اقتصاد و رفتارهای اقتصادی جامعه ایران و جهان برجای گذاشت. این جنگ نه تنها به تخریب برخی از زیرساخت‌های حیاتی و اقتصادی، کاهش شدید صادرات نفت و افزایش نوسانات ارزی منجر شد، بلکه اثرات روانی قابل توجهی نیز بر افراد و گروه‌های اجتماعی دخیل در تصمیم‌گیری‌های اقتصادی و مالی داشت. براساس مطالعات متعدد، جنگ‌ها نه تنها اثرات اقتصادی مخرب و تاثیرگذار در کوتاه مدت دارند، بلکه با ایجاد تغییرات در فرآیندهای شناختی و هیجانی، رفتار اقتصادی بلندمدت جامعه را نیز تحت تاثیر قرار می‌دهند. مطالعات نشان می‌دهند که افزایش استرس، اضطراب و نگرانی ناشی از بحران‌های نظامی و اقتصادی، موجب تمایل بیشتر افراد به پس‌انداز، کاهش مصرف و تغییر در الگوهای سرمایه‌گذاری می‌شود و ساختار تصمیم‌گیری مغزی افراد را به شدت تحت تأثیر قرار می‌دهد. لذا، مطالعه آن‌ها می‌تواند راهنمایی برای سیاست‌گذاری

■ اقتصاد در شیب منفی:

در دهه ۸۰ که هنوز خبری از تحریم‌های سازمان ملل و آمریکا نبود و صادرات نفت طبق روال عادی صورت می‌گرفت، رشد اقتصادی ایران نیز عادی و مثبت بود و تولید ناخالص داخلی آن به حدود ۲/۱ تریلیون دلار نیز می‌رسید؛ درحالی‌که فعلاً واقعیت چیز دیگری است و براساس آمار، سال گذشته تولید ناخالص داخلی کشور فقط ۴۳۶ میلیارد دلار بوده است.

اقتصاد ایران در سال‌های ابتدایی دهه ۹۰ با حدود ۵۰۰ میلیارد دلار در رده بیستم اقتصاد جهان بود اما در بین سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۴، تحریم‌ها باعث شد تا این رشد به صفر برسد و در سال‌های ۱۳۹۵ شاهد رشد آن تا ۴/۲۰ درصدی نیز باشیم که در سال ۱۳۹۶ نیز این روند رشد ادامه داشت تا اینکه دونالد ترامپ در سال ۱۳۹۷ از برجام خارج شد؛ همین روند باعث گردید تا رشد اقتصادی ایران در پایان آن سال به ۵/۱۱- درصد برسد. از سال ۱۳۹۹ و با تغییر دولت در آمریکا، صادرات نفت ایران کمی بهتر شد و همین باعث شد تا رشد اقتصادی نیز به سمت مثبت شدن برود اما با بازگشت دوباره ترامپ اوضاع به روال قبل بازگشت.

براساس گزارش مرکز آمار ایران، بخش استخراج نفت و گاز طبیعی به مرز توقف کامل در بهار امسال با نرخ رشد ۸/۰ درصد رسید، درحالی‌که از بهار سال ۱۴۰۰ تا بهار امسال رشد آن مثبت بوده است.

اگر رشد اقتصادی ایران مانند سال‌های ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۹ ادامه پیدا می‌کرد، اقتصاد ایران در سال ۱۴۰۳، ۷/۲ برابر اقتصاد کنونی بود و براساس آمار در بهار امسال تامین برق و آب رشد ۸/۱۱- درصدی داشته است. در حوزه کشاورزی، به دلایلی همچون کمبود منابع آب و افزایش هزینه‌های تولید کشاورزان رشد به ۷/۲- درصد رسیده و در بخش صنعت نیز ناترازی‌های انرژی که در امسال بیشتر شده است باعث شد تا در فصل بهار در این حوزه شاهد رشد ۷/۱- درصدی باشیم و

اگر بخش‌های گروه صنایع و معادن را نیز به آن اضافه کنیم به رشد ۲/۱- درصدی می‌رسیم.

باید به این نکته توجه داشته باشیم که امسال تقریباً از اواسط بهار کشور با بی‌برقی و کم‌آبی مواجه شد که قطعاً تأثیر منفی آن در آمارهای بعدی دیده خواهد شد و درصدهای منفی‌تری را نشان خواهد داد که نشان از اوضاع بدتری در تولید ناخالص داخلی کشور نسبت به سال گذشته خواهد بود. در کنار آن، صادرات و واردات کالا و خدمات نیز در بهار امسال افت داشته است. براساس آمار، صادرات ۹/۴ و واردات ۸/۱۱ درصد افت داشته‌است که این نشان می‌دهد تجارت خارجی ایران نیز روزهای بدی را سپری می‌کند و با کمبود مواد اولیه و نبود تقاضا از سوی کشورهای دیگر مواجه شده است.

و بر اساس گزارش مرکز آمار، تشکیل سرمایه ثابت ناخالص نیز در بهار ۱۴۰۴ با افت ۹/۱ درصدی روبه‌رو بوده و در بخش سرمایه‌گذاری در ماشین‌آلات نیز شاهد کاهش ۳/۳ درصدی هستیم؛ هرچند در سرمایه‌گذاری بخش ساختمانی رشد بسیار ناچیز ۴/۰ درصدی را شاهد بودیم که می‌توان نتیجه گرفت که نه‌تنها در مورد تجهیزات بخش‌های مختلف دچار فرسودگی هستیم بلکه هیچ‌انگیزه‌ای برای نوسازی آن‌ها وجود ندارد که قطعاً باعث افت بیشتر اقتصاد و تولید ناخالص داخلی خواهد شد. براساس این گزارش، قدرت خرید خانوارها نیز روند نزولی داشته و در بهار امسال نسبت به سال قبل ۱/۱ درصد کاهش داشته است که در نتیجه باعث کم شدن رفاه مردم و همچنین توقف صنایع و خدماتی خواهد شد که خانوارها مجبور هستند آن‌ها را از سبد خرید خود حذف کنند.

■ اقتصاد ایران بعد از جنگ ۱۲ روزه:

حملات علیه ایران در ۱۳ ژوئن باعث افزایش ۷ درصدی قیمت نفت شد که بعداً به ۱۱ درصد رسید و به بالاترین سطح در یک ماه گذشته رسید.

ارزش دلار آمریکا افزایش یافت، بیت‌کوین به ۱۰۳,۰۰۰ دلار کاهش یافت و قیمت طلا بیش از ۱ درصد رشد کرد.



که شامل مشوق های بانکی، بسته های بیمه ای، بسته های دارایی و ... می شود.

■ افت شامخ:

مرکز پژوهش های اتاق بازرگانی در گزارشی به طرح شاخص مدیران خرید یا «شامخ» پرداخته است. شامخ کل اقتصاد می تواند معیاری برای نشان دادن شرایط کلی سرمایه گذاری مولد و توسعه کسب و کار کشور باشد.

نظرسنجی مرکز پژوهش های اتاق ایران در مرداد ۱۴۰۴ نشان از تداوم شاخص مدیران خرید کل اقتصاد ایران است. مقدار این شاخص برای مردادماه برابر با ۳/۴۵ کاهش نسبت به ماه قبل که ۱/۴۷ بود برآورد شده است که نشان می دهد وضعیت کسب و کارها در این ماه برای هفدهمین ماه متوالی، کاهش یافته و هر پنج مؤلفه اصلی تشکیل دهنده شامخ کل اقتصاد یعنی میزان سفارشات جدید، میزان تولید، موجودی مواد اولیه، میزان استخدام و زمان تحویل سفارشات، همگی روندی نزولی و نامناسب را طی کرده اند.

این گزارش شاخص مدیران خرید کل اقتصاد و همچنین شاخص مدیران خرید بخش صنعت در مردادماه از تداوم روند رکودی ماه های اخیر خبر می دهد.

■ ۱۶ ماه متوالی کاهش سفارشات جدید:

در بخش تجارت خارجی نیز، میزان صادرات کالا و خدمات به عنوان عاملی تأثیرگذار در شاخص سفارشات جدید مشتریان، در مردادماه برای شانزدهمین ماه متوالی کاهش یافته و شدت کاهش در این ماه نسبت به ماه قبل بیشتر بوده است و رفع تعهد ارزی به عنوان مانعی جدی در مسیر صادرات غیرنفتی به خصوص برای صادرکنندگان خرد و متوسط تبدیل شده و انگیزه صادرکنندگان را کاهش داده است. این موضوع در داده های آمار پنج ماهه اول سال جاری کمرگ نیز بوده است. در همین حال، نااطمینانی های ناشی از سایه جنگ، برنامه ریزی برای صادرات را دشوار کرده و ریسک فعالیت های صادراتی را افزایش داده است که در نهایت به کاهش درآمدهای

بازار جهانی معاملات آتی سهام سقوط کرد؛ معاملات آتی داو ۶۰۰ امتیاز از دست داد. سهام شرکت های هواپیمایی بین المللی پس از حمله به شدت کاهش یافت. سهام لوفت هانزا ۵ درصد و سهام ایر فرانس، کالام و ایزی جت ۳ تا ۴ درصد افت کرد.

گزارش ها حاکی از آن است که شرکت های هواپیمایی پروازهای خود را بر فراز حریم هوایی اسرائیل، ایران، عراق و اردن متوقف کردند و برخی پروازها منحرف یا لغو شدند. نیویورک تایمز گزارش داد که ایرانی ها برای سوخت در صف ایستاده و مواد غذایی اساسی را ذخیره می کنند. با وجود آغاز حملات، شاخص های بورس اسرائیل (TA۳۵)، (TA۹۰) در نخستین روز معاملات در طول درگیری افزایش یافت.

در ۱۶ ژوئن، ارزش شیکل اسرائیل ۳/۶ درصد جهش کرد و به بالاترین سطح خود از ۹ اکتبر ۲۰۲۳ رسید.

■ آسیب سه جانبه جنگ ۱۲ روزه به اقتصاد از نگاه وزیر اقتصاد:

وزیر اقتصاد نیز در یکی از نشست های اخیر خود به آسیب های وارده ناشی از جنگ ۱۲ روزه بر اقتصاد کشور اشاره کرده است و آن را در ۳ بخش تقسیم بندی کرد.

سید علی مدنی زاده در صدوسی امین نشست شورای گفت و گوی دولت و بخش خصوصی بیان کرد: که جنگ از ۳ بُعد توانست به اقتصاد کشور آسیب وارد کند. ابتدا در بُعد خسارت های مستقیم، دیگر در بخش هزینه های وارد شده به بنگاه ها و کاهش سطح تولید و در نهایت توانست انتظاراتی را نسبت به آینده در مردم شکل دهد.

ایشان در ادامه این نشست فرمودند: به هر میزان ذهنیت مردم از واقعیت دور باشد میزان سرمایه گذاری کاهش و خروج سرمایه افزایش پیدا می کند که این موضوع در آینده بر بازار سرمایه اثرات خود را نشان می دهد.

وزیر اقتصاد اظهار کرد: در همین راستا چندین بسته حمایتی برای صنایع بزرگ و اصناف آسیب دیده طراحی شده است

همزمان بر عرضه و تقاضای نیروی کار و ایجاد شرایط پیچیده و نامطمئن در بازار کار است.

چالش‌های پیش رو:

ناترازی انرژی و کمبودهای برق برای واحدهای اقتصادی صنایع را به شدت تحت تأثیر قرار داده و تداوم فعالیت تولید بسیاری از واحدها را مختل کرده است. برخی شرکت‌ها تا سه روز در هفته با قطعی برق مواجه بوده و نیمی از روزهای کاری خود را از دست داده‌اند. به گفته فعالان اقتصادی برای کاهش اثرات این وضعیت و جبران ناترازی انرژی برنامه‌هایی از جمله خرید ژنراتور و استفاده از موتورهای کم‌مصرف در نظر گرفته شده است تا تولید با وقفه کمتری ادامه یابد و مشکل انرژی تا حدی برطرف شود.

در مورد تأمین مواد اولیه و نوسانات ارزی نیز افزایش قیمت مواد اولیه، بسیاری از شرکت‌ها را از تأمین و ذخیره‌سازی بازداشته و بسیاری از شرکت‌ها نتوانسته‌اند ارز برای واردات مواد اولیه با تجهیزات دریافت کنند. روند افزایش شاخص قیمت تولیدکننده در ماه‌های اخیر هشدار لازم برای مدیریت کنترل تورم را می‌دهد. برخی تأمین‌کنندگان مواد اولیه به دلیل شرایط ناپایدار بازار و نوسانات قیمتی و افزایش نرخ تولید یا از فروش خودداری کرده یا عرضه مواد اولیه را به صورت محدود انجام می‌دهند. همچنین مشکلات مربوط به واردات مانند عدم تأیید ثبت سفارش‌ها، تخصیص محدود ارز، طولانی بودن فرآیند ترخیص از گمرک و افزایش شدید هزینه‌های گمرکی دسترسی به مواد اولیه را دشوارتر کرده است و تداوم این وضعیت مسیر واردات را به سمت مبادی غیررسمی و قاچاق تشدید خواهد کرد.

در عین حال کمبود نقدینگی نیز توان مالی واحدهای تولیدی را برای خرید مواد اولیه محدود کرده که تزریق نقدینگی سیستم بانکی کشور در قالب سرمایه در گردش بنگاه‌های اقتصادی می‌تواند بخشی از شدت این چالش را کاهش دهد. نوسانات شدید نرخ ارز به‌رغم ثبات نسبی در نرخ بازار مبادله

ارزی ناشی از فروش محصولات، تضعیف سودآوری و کاهش توان رقابتی در صادرات انجامیده است.

در کنار آن موجودی مواداولیه یا لوازم خریداری شده در مردادماه برای دوازدهمین ماه متوالی کاهش یافته و تأمین مواداولیه و ملزومات تولید با تأخیر در تخصیص ارز و عدم ترخیص به موقع مواد وارداتی از گمرک، زنجیره تأمین را با چالش‌های جدی مواجه کرده است. علاوه بر این، نوسانات افزایشی نرخ ارز همراه با محدودیت‌های تخصیص ارز و مشکلات گمرکی، هزینه واردات مواد اولیه را افزایش داده و فرآیند تأمین را دشوارتر کرده است. افزایش قیمت مواداولیه با توجه به کاهش نقدینگی شرکت‌ها و همچنین عدم عرضه یا فروش محدود مواداولیه از طرف تأمین‌کنندگان به دلیل بی‌ثباتی بازار، فشار مضاعفی بر تولیدکنندگان وارد کرده است. براساس این آمار، میزان استخدام و به‌کارگیری نیروی انسانی در مردادماه، برای چهارمین بار از ابتدای سال تاکنون کاهش است که نتیجه شرایط رکودی حاکم بر فضای تولید و تقاضا است. افت در سفارشات جدید مشتریان، تعطیلی شرکت‌ها به دلیل ناترازی انرژی و کمبود مواداولیه، موجب کاهش حجم تولید در بسیاری از کسب وکارها شده و این موضوع نیاز به نیروی کار جدید را کاهش داده است.

همچنین تولیدکنندگانی که با رشد هزینه‌های تولید و افزایش فشارهای مالی مواجه هستند و تسهیلات مالی مناسبی نیز دریافت نمی‌کنند، در تلاش هستند تا با کنترل هزینه‌های جاری، از جمله نیروی انسانی، زیان‌های احتمالی را کاهش دهند. علاوه بر این، عدم قطعیت اقتصادی و سیاسی، کسب وکارها را در به‌کارگیری نیروی کار جدید با مشکل مواجه کرده است. از سوی دیگر، افزایش هزینه‌های زندگی انگیزه نیروی کار برای پذیرش مشاغل با سطوح درآمد فعلی را کاهش داده است. این مجموعه عوامل، بازاری را ایجاد کرده است که همزمان با کاهش فرصت‌های شغلی و کمبود جدی نیروی انسانی مواجه است، تضادی آشکار که نشان‌دهنده فشار

بلکه نتیجه برنامه‌ریزی دقیق، انعطاف‌پذیری استراتژیک، مدیریت هوشمندانه منابع، و مهم‌تر از همه، سرمایه‌گذاری بر روی سرمایه انسانی است. شرکت‌هایی که بتوانند با تکیه بر نوآوری، دیجیتالی‌سازی و رویکردهای مشتری‌محور، خود را با شرایط متغیر تطبیق دهند، نه تنها از طوفان بحران عبور خواهند کرد، بلکه فرصت‌های جدیدی برای رشد و رهبری در بازار پس از بحران خواهند یافت. شرایط بحرانی اخیر، اگرچه سخت و غیرقابل پیش‌بینی بود، اما فرصتی برای بازتعریف ارزش‌های سازمانی، تقویت سرمایه انسانی، و حرکت به سمت آینده‌ای مقاوم‌تر و تاب‌آورتر فراهم ساخت.

آنچه بارها در تحقیقات بین‌المللی تکرار شده، تأکید بر شفافیت، مشارکت جمعی، آموزش مداوم، و رویکرد عمل‌گرایانه در مواجهه با بحران است.

فناوران اطلاعات خبره به عنوان پیش‌تاز تحول دیجیتال در صنعت بیمه ایران، می‌تواند با سرلوحه قرار دادن این تجارب و توصیه‌ها، نه تنها دوره‌های بحرانی را سپری کند، بلکه الگویی برای تاب‌آوری در فضای اقتصاد دیجیتال ایران باشد.

طلا و ارز باعث شده قیمت مواد اولیه و محصولات نهایی مشخص نباشد و تولیدکننده و خریدار در بلا تکلیفی بمانند. هزینه‌های گمرک بسیار افزایش یافته، ترخیص مواد اولیه زمان‌بر و بسیار سخت شده و گروه‌های کالایی مدام تغییر می‌کنند. از سوی دیگر دیپوی نهاده‌ها در گمرک وجود دارد اما به تولیدکنندگان به قیمت آزاد عرضه می‌شود.

باید به این نکته نیز توجه داشت که جنگ و نگرانی‌های ناشی از تهدید حمله مجدد و بازگشت تحریم‌ها تأثیرات جدی بر کسب و کارها و فضای اقتصادی گذاشته و موجب افزایش بی‌ثباتی و کاهش اعتماد فعالان اقتصادی شده است. به این موارد باید مشکلات کندی اینترنت و خرابی سامانه‌ها که منجر به اختلال در فعالیت‌های روزمره کسب و کارها می‌شود را نیز اضافه کرد.

■ اثرات منفی تداوم رشد منفی در شاخص‌های کلان اقتصادی:

تداوم روند نزولی رشد اقتصادی در طول یک سال اخیر، حاکی از نقش عوامل بنیادی اقتصاد در بروز این مشکل است و این نگرانی بسیار جدی است که بدون اصلاح سیاست‌های پولی، مالی و تجاری؛ اقتصاد ایران مجدداً وارد مرحله رکودی شود که می‌تواند با وضعیت تورمی بالا هم همراه شود و تبعات اقتصادی آن در کاهش اشتغال پایدار، کاهش قدرت خرید خانوار، افزایش نااطمینانی‌های اقتصادی و رشد نرخ فقر و شکاف طبقاتی دیده خواهد شد.

اهمیت این موضوع زمانی بیشتر می‌شود که ریسک تحولات سیاست‌های خارجی را هم در محاسبات خود اضافه کنیم.

■ نتیجه‌گیری:

جنگ ۱۲ روزه، تنها یک رویداد سیاسی-نظامی نبود، بلکه یک کاتالیزور برای آشکارسازی نقاط ضعف و قوت ساختارهای اقتصادی و کسب‌وکارها در ایران بود. تجربه این دوره نشان داد که پایداری در مواجهه با بحران، امری اتفاقی نیست،



بخش دوم

سیاسی

الف) وقتی جنگ، پرده از یک روایت برداشت

ب) ۱۲ روز ۱۲ روایت



تحلیل مواجهه افکار عمومی با تصویر ایران در میانه تنش‌های ۱۲ روزه

مهتاب سلیمانی کرمانی

دانش‌آموخته کارشناسی ارشد حقوق بین‌الملل

دانشگاه شیراز

ضعف ایران و عدم تاب‌آوری در جنگ و تحریک مردم به شورش در داخل و از همه مهمتر حساب باز کردن اسرائیل و آمریکا بر روی مخالفان انقلاب و حکومت، باعث شد جنگ، شروع شود اما با پرتاب آخرین موشک از سوی ایران به پایان برسد. چرا که پیشتر رهبر انقلاب (مدظله) در مقابل تصویر ایران ضعیف، تصویر ایران قوی را مطرح کرده و مسئولین و مردم را بارها از حربه‌های دشمنان آگاه کرده بودند

در خلال جنگ بود که مردم سیاه‌نمایی‌های رسانه‌ها را به چشم خود دیدند. ایرانی که موشک‌های جدید و پیشرفته دارد، ایرانی که با اقتدار اسرائیل را در هم می‌کوبد، ایرانی که نمی‌ترسد و ایرانی که تمام مدت قوی بوده ولی مصلحت بود که رو نکند. ایرانی که به خواست عده‌ای از مردم تا پای مذاکرات با آمریکا رفت و هزینه داد **اما حالا برای مردمش اثبات شد که همه شعارهای غربی‌ها دروغ بوده است.** اسرائیلی که مات و مبهوت مانده و به آمریکا التماس می‌کند تا چاره‌ای بیابد. در دوازده روز، همه این حقایق برملا شد. **درست است که مردم از وضع معیشت، تورم و نابسامانی‌ها و تحریم‌ها ناراضی‌اند و حتی با حکومت در برخی عرصه‌ها مخالفند، اما هرگز به یک بیگانه اجازه نمی‌دهند، پا از مرزهایش فراتر بگذارند.** چه اینکه این ادعا در برنامه «خط قرمز» بارها و بارها تأیید شد. کسانی که تا قبل از این جنگ، مخالف انقلاب و حتی ایران بودند اما بعد از جنگ، متوجه واقعیت تبلیغات رسانه‌های معاند شدند و **تغییر عقیده دادند.**

در نهایت در این دوازده روز یک معیار تفکیک عرفی میان مردم شکل گرفت که برای همیشه در تاریخ ایران ثبت شد: هر که از حمله یک بیگانه به مردم و کشورش خوشحال باشد، **خائن و وطن‌فروش است و از ما نیست.**

در روزهایی که جنگ در جریان بود، روایت‌های رسانه‌ای و برداشت‌های عمومی با سرعتی کم‌سابقه تغییر کرد. این متن نگاهی دارد به چگونگی شکل‌گیری این تغییرات و تأثیر آن بر فهم عمومی از استقلال، مقاومت و مواجهه با فشارهای خارجی.

در سال‌های اخیر از یک سو انتقاداتی نسبت به موضع «نه شرقی و نه غربی» ایران در تعامل با سایر کشورها، وارد شد و از سوی دیگر تفاسیر متفاوتی از این شعار برای توجیه ارتباط با روسیه و چین ارائه شد. اما آیا این اصل نیاز به توجیه دارد؟ مگر نه اینکه این اصل همراه با سه شاخص عزت، حکمت و مصلحت است و حدود نه شرقی نه غربی را همین سه شاخص مشخص می‌کند. مگر نه اینکه استقلال، خودباوری و خوداتکایی، حفظ اقتدار در عرصه بین‌الملل، ممنوعیت سازش توأم با ذلت، قبح بیعت با دشمن، آگاهانه و حساب شده تصمیم گرفتن و در نهایت یافتن راهی برای عبور از سختی‌ها و موانع برای دستیابی به هدف، معانی نهفته در این سه واژه هستند؟ مگر نه اینکه نه شرقی نه غربی به ما یادآوری می‌کند که ایران هر کجا به هویت مستقل و مقتدر خود رجوع کرده، یک وجب از خاکش را به دیگری نداده است؟ و هر کجا ملت ایران به پرچم و ارزشهای خویش پشت کرده است، به ناچار با لگد دشمن رو برو شده است

تا پیش از جنگ دوازده روزه، بعضی اشخاص، شعار نه شرقی نه غربی را پوسته‌ای پوسیده از ارزش‌های انقلاب تلقی می‌کردند که باید از آن کوتاه بیاید و وقت آن است که سر تعظیم در مقابل آمریکا و دوستانش فرود آورد. شبکه‌های معاند مانند ایران‌اینترنشنال با القای این تصور که ایران ضعیف امروز توان مقابله با آمریکا یا اسرائیل را ندارد و هر چه بر سر مردم بیاید به واسطه حکومت است. **حتی در زمان جنگ دوازده روزه، با اینکه اسرائیل به خانه‌های مسکونی حمله کرد و مردم غیرنظامی را شهادت رساند، رسانه‌های خارجی، انقلاب و حکومت اسلامی را عامل این کشتارها دانست.** این تبلیغات گسترده از بزرگنمایی

علی علیپور

کارشناسی آموزش ابتدایی

دانشگاه شیراز

۱۲ روز، ۱۲ روایت

استقبال از مقامات ایرانی پس از جنگ ۱۲ روزه



به طور چشمگیری افزایش یافته، به گونه‌ای که در برخی کشورها میزان این حملات در سال ۲۰۲۳ بیش از دوبرابر شده است. طبق این گزارش، رشد افراط‌گرایی سیاسی، به‌ویژه در آلمان با تقویت حزب راست‌گرای آلترناتیو برای آلمان، فضای خطرناکی برای یهودیان ایجاد کرده است. اتحادیه ضدافترا هشدار داده یهودستیزی دیگر محدود به جناح خاصی نیست و به تهدیدی برای ارزش‌های دموکراتیک و کل جامعه بدل شده است؛ چنان‌که بسیاری از یهودیان به دلیل ترس از خشونت، هویتشان

در حمایت از ایران و برافراشتن پرچم کشور در بعضی تجمعات و تغییر برخی معادلات اجتماعی هستیم.

بر اساس گزارش‌های مختلف، میزان یهودی‌ستیزی در کشورهای اروپایی طی سال‌های گذشته رشد فزاینده‌ای داشته، به‌عنوان مثال گزارش سالانه کارگروه اتحادیه ضدافترا نشان می‌دهد از زمان ۷ اکتبر ۲۰۲۳، موارد یهودستیزی در کشورهای دارای بزرگ‌ترین جوامع یهودی خارج از اسرائیل از جمله آلمان، فرانسه، بریتانیا، آمریکا، کانادا، استرالیا و آرژانتین

ایران. المیادین از همان ساعت اول حملات را «انتقام تاریخی» نامید و مجریانش بارها گفتند ایران کاری کرد که هیچ دولت عربی نکرد. حتی العربیه که همیشه ضدایران بود، در بخش فارسی‌اش مجبور شد اخبار موفقیت‌های نظامی ایران را منتشر کند، هرچند سعی کرد بی‌طرف بماند. در شبکه‌های اجتماعی، هشتک‌های عربی (#ایران_تنتقم و #شکراً_ایران) ترند اول منطقه شد. کاربران از الجزایر تا یمن کلیپ‌هایی منتشر کردند که کودکان با پرچم ایران شادی می‌کردند. ترکی فیصل، رئیس سابق اطلاعات عربستان در مصاحبه با الشرق الأوسط گفت: «اگر عدالت بود، دیمونا بمباران می‌شد، نه فردو.» در یک هفته، ایران از «دشمن» به «کشوری که جواب اسرائیل را داد» تبدیل شد. این تغییر با تصاویر واقعی موشک‌هایی که به هدف خوردند، در ذهن میلیون‌ها نفر در منطقه و جهان ثبت شد، حتی در تجمعات ضداسرائیلی که در کشورهای اروپایی و آمریکایی برگزار می‌شود، شاهد شعارهای حمایتی از ایران و برافراشتن پرچم کشور در این تجمعات و تغییر برخی معادلات اجتماعی هستیم. بر اساس گزارش‌های مختلف، میزان یهودی‌ستیزی در کشورهای اروپایی طی سال‌های گذشته رشد فزاینده‌ای داشته، به‌عنوان مثال گزارش سالانه کارگروه اتحادیه ضدافترا نشان می‌دهد از زمان ۷ اکتبر ۲۰۲۳، موارد یهودستیزی در کشورهای دارای بزرگ‌ترین جوامع یهودی خارج از اسرائیل از جمله آلمان، فرانسه، بریتانیا، آمریکا، کانادا، استرالیا و آرژانتین به طور چشمگیری افزایش یافته، به‌گونه‌ای که در برخی کشورها میزان این حملات در سال ۲۰۲۳ بیش از دوبرابر شده است. طبق این گزارش، رشد افراط‌گرایی سیاسی، به‌ویژه در آلمان با تقویت حزب راست‌گرای آلترناتیو برای آلمان، فضای خطرناکی برای یهودیان ایجاد کرده است. اتحادیه ضدافترا هشدار داده یهودستیزی دیگر محدود به جناح خاصی نیست و به تهدیدی برای ارزش‌های دموکراتیک و کل جامعه بدل شده است؛ چنان‌که بسیاری از یهودیان به دلیل ترس از خشونت، هویتشان را پنهان می‌کنند.

را پنهان می‌کنند. در مجموع آنچه از این تحولات برمی‌آید، شکسته‌شدن تدریجی تصویر تحریف‌شده‌ای است که سال‌ها علیه ایران در افکار عمومی جهان ساخته شده بود. از استقبال گسترده مردم منطقه تا تغییر لحن رسانه‌های عربی و اروپایی، همه نشان می‌دهد ایران به‌عنوان بازیگری مؤثر در معادلات جدید خاورمیانه دیده می‌شود و با تمام محدودیت‌ها توانسته با واقعیت‌ها بر پروپاگاندا ی غربی غلبه کند

در طول دهه‌های اخیر، پتک تخریب از برخورد با تصویر ایران در افکار عمومی جهان جانمانده و قلم سیاه‌نمایی مدام کار می‌کند. اساساً این کارویژه قدرت‌های تمامیت‌خواهی است که تمام تلاششان را برای سلب امکان توسعه از کشورهای دیگر به کار می‌گیرند. با این حال تهران سعی کرده خود را به هر شکلی که هست از این موانع عبور دهد؛ اما چیزی که این روزها همه معادلات را به هم زده، تصاویر زنده از استقبال باشکوه مردم از مقامات ایرانی در کشورهای منطقه است از عراق و لبنان گرفته تا سفر روز جمعه (۱۷ آبان ۱۴۰۴) محمدباقر قالیباف، رئیس مجلس شورای اسلامی به پاکستان. تصاویر منتشرشده از این سفر حاکی بود که جمعیت عظیمی از مردم پاکستان برای استقبال از او آمده بودند. همین صحنه را یک سال و نیم پیش نیز دیده بودیم وقتی سید ابراهیم رئیسی، رئیس‌جمهور سابق وارد این کشور شد. موارد مشابهی از جمله سفر مقامات به عراق و لبنان هم وجود دارد که حاکی از شکست تصویر ایران‌هراسی در کشورهای منطقه است. این تصویر اما پس از جنگ ۱۲ روزه و پاسخ موشکی قاطع ایران به حملات اسرائیل زنده‌تر شد. جنگ ۱۲ روزه خرداد ۱۴۰۴ باعث شد نگاه مردم کشورهای عربی به ایران به شکل محسوسی تغییر کند. الجزیره که بزرگ‌ترین شبکه خبری منطقه است، تقریباً تمام برنامه‌هایش را به پوشش حملات ایران اختصاص داد و تصاویر اصابت موشک‌ها به تل‌آویو و حیفا را بارها تکرار کرد. صفحه اینستاگرام الجزیره با ۱۱ میلیون دنبال‌کننده پر شد از کامنت‌های «شکراً ایران» و پرچم



■ آغوش منطقه

بهمن‌ماه ۱۳۹۹، سید ابراهیم رئیسی، رئیس وقت قوه قضائیه در اولین ساعت ورود به بغداد مستقیماً به محل شهادت حاج قاسم و ابومهدی رفت. ده‌ها هزار عراقی مسیر فرودگاه تا کاظمین را بستند. شعار اصلی جمعیت، «الموت لأمریکا» و «لحمنا لحمکم و دمننا دمکم» بود. هشتگ #اهلابخادمالرضا در کمتر از ۶ ساعت ترند اول عراق شد. کاربران عراقی نوشتند: «رئیس‌ی مهمان قانونی ماست، چون دنبال خون شهادت.» علی لاریجانی، دبیر شورای عالی امنیت ملی صبح در فرودگاه رفیق حریری پیاده شد. هنوز از پلکان پایین نیامده بود که جوانان حزب‌الله با پرچم ایران و حزب‌الله و شعار «لبیک یا نصرالله» و «هیئات منا الذله» دورش حلقه زدند. فیلم‌های موبایل مردم نشان می‌داد جمعیت تا تقاطع فرودگاه ادامه داشت. العالم و المنار همان روز گزارش دادند این بزرگ‌ترین استقبال خودجوش از یک مقام ایرانی بعد از سردار سلیمانی بود. سفر آیت‌الله رئیسی به پاکستان، اولین سفر رسمی رئیس‌جمهور ایران بعد از هشت سال بود. دولت پاکستان در کراچی تعطیل رسمی اعلام کرد. وزیر فرهنگ ایران بعداً گفت: «صدها هزار نفر فقط برای یک‌بار دیدن رئیس‌جمهور ثبت‌نام کردند.» در لاهور، دانشجویان دانشگاه پنجاب مسیر ۱۴

کیلومتری از فرودگاه تا استانداری را با پرچم ایران و فلسطین بستند. سناتور مشاهد حسین سید، رئیس کمیسیون امور دفاع مجلس سنای پاکستان، گفت سفر رئیسی رئیس‌جمهور ایران به اسلام‌آباد، خاطره استقبال تاریخی مردم پاکستان از آیت‌الله خامنه‌ای در سال ۱۳۶۴ را زنده کرد. سفر دو روزه احمدی‌نژاد به لبنان در سال ۱۳۸۹ هنوز رکورددار است. ۲۱ مهر آن سال وقتی کاروان احمدی‌نژاد به سمت مرز رسید، طبق گزارش المنار «۷۵ هزار لبنانی» تا روستای «مارون الرأس» آمدند. مردم روی دوش هم پرچم ایران و حزب‌الله گرفته بودند. احمدی‌نژاد در ضاحیه به سمت مرز اسرائیل سنگ پرتاب کرد. تصاویر این سفر هنوز در آرشیو المنار و پرس‌تی‌وی موجود است و هر سال مهرماه دوباره در این رسانه‌ها بازنشر می‌شود.

در مجموع آنچه از این تحولات برمی‌آید، شکسته‌شدن تدریجی تصویر تحریف‌شده‌ای است که سال‌ها علیه ایران در افکار عمومی جهان ساخته شده بود. از استقبال گسترده مردم منطقه تا تغییر لحن رسانه‌های عربی و اروپایی، همه نشان می‌دهد ایران به‌عنوان بازیگری مؤثر در معادلات جدید خاورمیانه دیده می‌شود و با تمام محدودیت‌ها توانسته با واقعیت‌ها بر پروپاگاندا‌ی غربی غلبه کند.



بخش سوم

فرهنگی

الف) دیان ای ایرانی در جنگ ۱۲ روزه خودش را نشان داد

ب) وقتی فرهنگ، سپر می شود و هویت، دوباره متولد

فائزه ریاحی

کارشناسی ارشد پژوهش فرش

دانشگاه شیراز

۶۹

دین‌ان‌ای ایرانی در جنگ ۱۲ روزه خودش را نشان داد

تحلیل مواجهه فرهنگی ایرانیان با جنگ ۱۲ روزه

دین‌ان‌ای ایرانیان است؛ چیزی که در ناخودآگاه جمعی حضور دارد و در لحظه تهدید، به پناهگاهی برای بقا و همبستگی تبدیل می‌شود. این مقاله تلاش برای فهم جنگ نه به مثابه سیاست، بلکه به مثابه تجاوز به فرهنگ است.

جنگی علیه فرهنگ ایران؛ پناهگاه فرهنگ در برابر رنج و تجاوز

جنگ ۱۲ روزه اسرائیل علیه ایران را نمی‌توان تنها یک رخداد نظامی دانست. این جنگ، در معنای دقیق و آکادمیک خود، تجاوزی علیه فرهنگ و ملت ایران بود؛ تجاوزی که جامعه ایرانی را به یکباره واداشت تا واکنشی فرهنگی و انسانی نشان دهد. واکنشی که فراتر از سیاست و اقتصاد بود و ریشه در ناخودآگاه جمعی ایرانیان داشت؛ و گویی جامعه‌ای که گمان می‌رفت درگیر روزمرگی است، ناگهان زبانی مشترک یافت؛ زبانی از جنس فرهنگ، که در لحظه بحران به سخن درمی‌آیند.

این واقعه نشان داد که در تحلیل رویارویی ایران و اسرائیل، باید از الگوی رایج «دولت در مقابل دولت» فراتر رفت و به عمق «ملت در برابر تجاوز» پی برد.

جنگ‌ها در دهه‌های اخیر همواره موضوع کلیدی مطالعات

جنگ ۱۲ روزه تنها یک تقابل نظامی نبود؛ ضربه‌ای بود به لایه‌های عمیق هویت ایرانی. واکنش مردم، چه در داخل و چه در خارج، نشان داد که فرهنگ برای ایرانیان نه یک مفهوم انتزاعی، بلکه پناهگاهی زنده و فعال است؛ پناهگاهی که در لحظه تهدید، غریزی و جمعی به سخن درمی‌آید و همبستگی می‌آفریند.

چکیده:

جنگ همیشه صدای توپ و آژیر نیست؛ گاهی به ژرف‌ترین لایه‌های هویت یک ملت حمله می‌کند. هر جنگی، پیش از آنکه میدان نبرد باشد، میدان معناست.

جنگ ۱۲ روزه اسرائیل علیه ایران را باید از همین منظر دید: تجاوزی نه فقط به خاک ایران، بلکه به فرهنگ، به دین‌ان‌ای ایرانی بودن. واکنش مردم، چه در داخل و چه در خارج، نشان داد که فرهنگ برای ایرانیان سنگری است که در لحظه بحران به سخن گفتن می‌پردازد و همبستگی می‌آفریند. این یادداشت، روایت همین مواجهه است؛ روایتی از فرهنگ به مثابه پناهگاه، از ملت‌بودگی به مثابه معنا، و از رنج به مثابه فرصتی برای بازآفرینی جمعی می‌باشد.

و جنگ ۱۲ روزه علیه ایران نشان داد که حفظ فرهنگ، در



اروپایی تبدیل به ملت واحدی شد که می‌توان پیامدهای آن را در جنگ‌های جهانی اول و دوم دید که مواجهه ادبی، فلسفی و فرهنگی نسبت به مبارزان‌ها رخ نداد و در نتیجه آن، نمی‌بینیم که جنگ به سخن درآمده باشد.

اما برای ایرانیان، جنگ از دفاع مقدس تا امروز، همواره به معنای «تجاوز به سرزمین، فرهنگ و ملت» بوده است. همین امر باعث شد واکنش مردم به حمله اسرائیل غریزی، ناگهانی و فرهنگی باشد؛ واکنشی که حتی ایرانیان خارج از کشور و منتقدان داخلی را نیز در دفاع از ایران هم‌صدا کرد.

فرهنگ برای ایرانیان اهمیت کلیدی دارد. همان‌طور که در کتاب «تاریخ فرهنگی ایران مدرن» آمده‌است: «برای تمدن‌هایی مانند ایران، چین، هند و مصر که کشورهای باستانی هستند و مدل فرهنگی، شناختی و الگوهای فرهنگ و تجربه زیسته جمعی و ناخودآگاه زیسته جمعی در میان آنها شکل گرفته است، رخدادی مثل جنگ فقط رخداد نیست که در سرزمین و منطقه جغرافیایی

اجتماعی و فرهنگی بوده‌اند. نظریات و مکاتب بسیاری پیرامون آن شکل گرفته و متون فراوانی منتشر شده است. در ایران، به دلیل تجربه دفاع مقدس، حساسیت اجتماعی و فرهنگی نسبت به جنگ و صلح بسیار بالاست. جامعه ایرانی به طور تاریخی با زندگی مواجهه‌ای معنایی، روان‌محور و انسانی دارد. همین ویژگی باعث می‌شود تا واکنش‌ها به جنگ وابسته به زبان و روایت باشند. با وقوع جنگ، رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی پر می‌شوند از شعر، عکس، فیلم و روایت‌هایی که جنگ را به نظامی نشانه‌ای تبدیل می‌کنند؛ نظامی که می‌خواهد انسان و زندگی را برجسته سازد.

یکی از نکات مهم در تحلیل جنگ ۱۲ روزه، مفهوم «ملت‌بودگی» ایرانیان است. تحلیل‌گران بر این باور هستند که ایران از معدود دولت‌ملت‌هایی است که عمق و قدمت تاریخی ملت‌بودگی در آن بر نحوه فهم جنگ تأثیر می‌گذارد. همان‌طور که وینفرید زیبالد در کتاب «تاریخ طبیعی ویرانی؛ جستارهایی در باب تأثیر جنگ بر هنر و ادبیات»، اشاره می‌کند، که آلمان دیرتر از دیگر کشورهای

اتفاق بیفتد، بلکه فراتر از آن، جنگ برای ما، هم به معنای تجاوز به سرزمین و هم تجاوز به فرهنگ و ملتمان است.»

و جنگ ۱۲ روزه اسرائیل علیه ایران به معنای دقیق و آکادمیک آن «تجاوز به ملت ایران» است و فارغ از اینکه گروه‌هایی که به هر دلیلی از نظام سیاسی رنجیده یا با آن مخالف هستند یا آنطور که اسرائیل تبلیغ می‌کند که این جنگ نه علیه ایران که علیه جمهوری اسلامی است، اما در واقعیت عالم، هیچ‌وقت نمی‌شود به کشورهای مثل ایران، چین، هند یا مصر حمله کنید، آنها را بمباران کنید، شهروندان را بکشید و بگویید هدف از این کار دولت آن کشور است.

علت این کار را «ملت‌بودگی» ریشه دار ایرانیان دانست و همین موضوع باعث شد که همانطور که تجاوز اسرائیل غافلگیرانه بود، واکنش طبیعی مردم هم غریزی و ناگهانی و غافلگیرانه باشد.

واکنش مشابه پرستو فروهر از سوی ایرانیان خارج از کشور و شهوندان ناراضی داخل ایران در دفاع از ایران در جنگ ۱۲ روزه، رفتار این افراد را به اینصورت می‌توان ارزیابی کرد که همه این افراد به صورت غریزی در برابر تجاوز بیگانه، موضع فرهنگی گرفتند. موضعی که از مواضع سیاسی و اقتصادی روزمره شان جدا بود. و دلیل آن این است که ما علاوه بر سرزمین ایران، فرهنگ، یعنی ساخت معنایی هم داریم که بخش کوچکی از آن به صورت آگاهانه زیست می‌کند، اما بخش عظیم آن در ضمیر پنهان ما است که وقتی حادثه‌ای مثل جنگ رخ می‌دهد از ناخودآگاه بیرون می‌زند و خود را نشان می‌دهد. معنای فرهنگی طی هزاران سال شکل گرفته و وارد زنجیره معنایی و بخشی از دین‌ای و ژنتیک هر انسان ایرانی شده و آنها را به میهن، تاریخ و ایران پیوند می‌زند. همان طور که در کتاب «نوروز نوشت» از واژه ایران به عنوان دین‌ای ایرانیان یاد کرد که در تجربه ۱۵۰ ساله اخیر ایران و علی‌رغم به حاشیه رانده شدن آن در نیم‌قرن اخیر و بی‌توجهی به آن در برنامه درسی، مدام تمرین شده و در نتیجه وارد تجربه عملی ما در زندگی اجتماعی و روزمره شده و باعث شده است که ملت ایران در زندگی روزمره هم مفهوم امر ملی و

ایران را مدام تجربه کند.

ماهیت جنگ ۱۲ روزه اسرائیل علیه ایران فرهنگی است و تجاوز به میهن فقط تجاوز به حکومت نیست، بلکه تجاوز به حساسیت‌ها و هشیارهای شناختی است که در طول تاریخ برای ایرانیان شکل گرفته است.

نویسنده کتاب «علوم انسانی و اجتماعی در ایران» با نقل قولی از مرحوم داریوش شایگان و آلن بدیو با این تفسیر بیان می‌کند: بودهایی هستند که نمود ندارند، اما با درانداخته شدن پرده، نمود می‌یابند که یکی از آنها دین‌ای ایران و اسرار و قابلیت‌های شگفت ایرانی بودن است.

تأثیرگذاری فرهنگی ایرانیان بر اروپا در قرون ۱۸ و ۱۹ میلادی زیاد شده است و علت آن هم این است که این فرهنگ وقتی مورد هجوم قرار می‌گیرد، اسرار خود را آشکار می‌کند و انرژی‌های عاطفی خود را آزاد می‌کند، به سخن درمی‌آید و ناخودآگاه ذهن جمعی و قابلیت‌های تاریخی آن ناگهان بروز می‌یابند و انفجار معنوی و عاطفی به وجود می‌آید که به نیروی سیاسی بزرگی تبدیل می‌شود و واکنش مردم به تجاوز اسرائیل معنای جمعی را احیا کرد. معنا برای همه یکسان نیست و با توجه به تاریخ از دوره صفویه تا جنگ ایران و عراق تأکید کرد که وقتی تشیع و اسلام خادم ایران‌زمین باشند، می‌توانند معنا بسازند و ساخته‌اند، ولی عکس آن صادق نیست.

نویسنده کتاب «روایتی خودمردم‌نگارانه از زندگی روزمره ایرانی» تأکید می‌کند؛ علاوه بر معناهای جمعی ملی و مذهبی، معناهای خانوادگی و فردی نیز در این پناهگاه حضور دارند. فرهنگ در این میان به «پناهگاه» تبدیل شد؛ پناهگاهی که همبستگی، همدلی و حس تعلق را ایجاد می‌کند.

در روزهای جنگ، ایران به لحاظ پیوندهای استراتژیک تنها بود و چین و روسیه هیچ‌کدام به ما کمک نکردند. و همین حس تنهایی، ضرورت ساخت پناهگاه فرهنگی را برجسته کرد. برای اینکه احساس بی‌پناهی نکنیم باید از راه باهم‌بودن به بودن‌ها و شدن‌های خود برگردیم؛ فرهنگ همان چتر عاطفی است که

مدنی و فرهنگی فعال شوند، جامعه دیگر احساس تنهایی و بی‌پناهی نمی‌کند و می‌تواند «شادمانه، مسئولانه و خلاقانه» از هستی خویش دفاع کند. اگر جهان ما را تنها گذاشته، خودمان می‌توانیم با بسیج فرهنگی و مدنی تنها نباشیم.

■ جمع‌بندی:

جنگ ۱۲ روزه اسرائیل علیه ایران، بیش از آنکه یک نبرد نظامی باشد، یک ضدحمله فرهنگی را شعله‌ور کرد. این رویداد ثابت کرد که هویت ایرانی آنچنان در لایه‌های عمیق تاریخی و معنایی ریشه دوانده که هرگونه تعرض، خروجی‌ای جز بیداری غریزه جمعی دفاع از «ایران- به مثابه یک کل فرهنگی» ندارد. اکنون وظیفه نخبگان، فعالان مدنی و مردم، نه خلق این فرهنگ که سامان‌دهی و پناهگاه‌سازی از آن است. باید ظرفیت‌های بی‌نظیر مدنی را بسیج کنیم تا این «انفجار معنوی» به نیرویی پایدار برای مواجهه با تمامی رنج‌ها و جنگ‌های زمانه تبدیل شود. فرهنگ، پناهگاه نهایی ملتی است که تاریخ را در ژن خود حمل می‌کند.

می‌تواند ما را در برابر بحران‌ها حفظ کند. به زبان ساده تر در روزهای جنگ، ایران به لحاظ استراتژیک تنها بود و همین حس تنهایی، ضرورت ساخت پناهگاه فرهنگی را برجسته کرد. برای اینکه احساس بی‌پناهی نکنیم باید از راه باهم‌بودن به بودن‌ها و شدن‌های خود برگردیم؛ فرهنگ همان چتر عاطفی است که می‌تواند ما را در برابر بحران‌ها حفظ کند.

عاملیت انسانی در جنگ ۱۲ روزه مهم بود و به این دیدگاه و نظریه در کتاب «انسان در جست‌وجوی معنا» اثر ویکتور فرانکل پرداخته شده است.

ویکتور فرانکل، در نظریه لوگوتراپی بر این باور است که: «زندگی رنج است، اما ما می‌توانیم این رنج را برای خودمان به گنج تبدیل کنیم. برای این کار باید معنایی داشته باشیم. معنایی که با کمک آن می‌توانیم با هررنجی کنار بیاییم و فرصتی برای ساختن و بهبودی خود و جهان به دست آوریم.»

ایرانیان در مواجهه با جنگ‌های بسیاری فراتر از جنگ با اسرائیل از جمله جنگ محیط زیستی، کمبود انرژی، شکاف طبقاتی، گرمای شدید و ... دانست و جامعه ایران باید از منظر دکتر فرانکل به خود نگاه کند که زندگی رنج است، اما باید معنایی جست‌وجو کنیم که آن رنج را به فرصتی برای تعالی، بقا و همزیستی تبدیل کنیم. ایرانیان باید به فرهنگ توجه کنند و قابلیت‌های ایرانی‌بودن و ایرانی‌زیستن را بشناسند که این کمک می‌کند معنایی جمعی برای مواجهه با رنج‌ها و جنگ‌های سیاسی، نظامی و زیست‌محیطی پیدا کنند.

■ راهکار عملی:

بسیج مدنی برای ساختن پناهگاه: این پناهگاه انتزاعی نیست. زیرساخت‌های عظیمی برای ساخت آن وجود دارد: ۲۱ میلیون دانش‌آموز و دانشجو، ۱۰ هزار انجمن علمی، ۵ هزار کانون فرهنگی و ۴۰ هزار سازمان مردم‌نهاد ثبت‌شده. فعال‌سازی این ظرفیت‌های مدنی از طریق گفت‌وگوی سازنده، کلید تبدیل فرهنگ از یک مفهوم انتزاعی به یک پناهگاه ملموس است. اگر این شبکه‌های

69

وقتی فرهنگ، سپر می‌شود و هویت، دوباره متولد

روایتی از بازتولید فرهنگ تاریخی ایرانیان در سایه جنگ ۱۲ روزه و فعال شدن

ناخودآگاه جمعی

فائزه ریاحی

کارشناسی ارشد پژوهش فرش

دانشگاه شیراز

پس از تمام شدن جنگ ۱۲ روزه که از طریق رژیم صهیونیستی به ایران اسلامی تحمیل شد و با مقاومت جانانه‌ای از سوی مردم ایران همراه بود، ما شاهد تولید گفتارهایی در باب توسعه هستیم. جای تعجب است که با این فاصله کم از جنگ، این مقدار ادبیات گوناگون که از منظرهای مختلفی به مطلب پرداخته‌اند پیرامون نسبت توسعه و جنگ تولید شده است.

در رابطه با جامعه شناسی پدیدار جنگ ما شاید تنها یک کتاب - لشکر به مثابه امر اجتماعی - به صورت تألیفی داریم. این کتاب تنها اثری است که تلاش کرده است به پدیدار جنگ ۸ ساله یک نگاه جامعه شناختی و نظری داشته باشد. علی‌رغم این که ایران در طول تاریخ، جنگ‌های کوچک و بزرگ بسیاری را تجربه کرده و هر کدام از آن جنگ‌ها تحولات مهمی را رقم زده است، ما به مسئله

جنگ ۱۲ روزه نشان داد که فرهنگ ایرانی تنها میراث گذشته نیست؛ نیرویی زنده است که در لحظه تهدید، به پناهگاه جمعی تبدیل می‌شود. این متن روایتی است از اینکه چگونه رنج، روایت و همبستگی، هویت ایرانی را دوباره بازآفرینی کردند. جنگ ۱۲ روزه ایران و رژیم اشغال گر اسرائیل، بار دیگر نشان داد که میدان اصلی نبردها در عصر جدید، تنها خاک و مرزهای جغرافیایی نیست، بلکه عرصه بی‌کران هویت فرهنگی، سرمایه اجتماعی و روایت‌های رسانه‌ای است.

آن چیزی که کمک کرد و باعث شد ما در دفاع مقدس پیروز شویم و در این جنگ ۱۲ روزه هم بازتولید آن را می‌توانیم ببینیم، فرهنگ تاریخی ماست. فرهنگ تاریخی‌ای که با انقلاب اسلامی فوران کرده است.

نمی‌کنند. ما بیشتر نگاه‌های کارکردگرایانه را پی‌گیری می‌کنیم که پیش‌فرض‌های تاریخی آنها را بدون، چون و چرا پذیرفتیم. گفتمان غالب جامعه‌شناسی تاریخی ما بر اساس ایده تضاد دولت و ملت دکتر کاتوزیان بنا شده است. این ایده را در علوم اجتماعی به صورت پیش‌فرض پذیرفته‌ایم.

بی‌شک از منظر فرهنگی و اجتماعی این جنگ دارای فرصت‌ها و تهدیدهای فراوانی بوده است که می‌توان از زوایای مختلفی به بررسی هر کدام پرداخت و راهکارهایی را برای بهره‌برداری از فرصت‌ها و مقابله با تهدیدات ارائه نمود.

■ هویت فرهنگی؛ بازیابی و باز آفرینی پسا جنگ

نظریه استوارت هال تأکید می‌کند هویت فرهنگی یک پدیده سیال و در حال ساخت است. او معتقد است که هویت یک جوهر ثابت و از پیش تعیین‌شده نیست، بلکه یک فرایند پویا و متغیر است که دائماً در حال شکل‌گیری و بازسازی است.

بر این اساس، هویت فرهنگی امری سیال و در حال بازتعریف است که با هر شوک جمعی، می‌تواند دچار بحران یا فرصت تحول شود. کاستلز که در حوزه ارتباطات و شبکه‌های اجتماعی، یکی از نظریه پردازان شاخص محسوب می‌شود، هویت را به عنوان سازوکار قدرتیابی جمعی در عصر جهانی شدن تبیین می‌کند.

او دیدگاه‌های موجود درباره هویت و فضای مجازی را به سه دسته کلی «خوش‌بینانه، بدبینانه و واقع‌بینانه» تقسیم می‌کند.

در پسا جنگ، جامعه ایران با فشار روایت‌های چند وجهی رسانه‌ای و هجمه‌های روانی سیاسی، با خطر فروپاشی انسجام هویتی مواجه بود، اما از آنجا که بذر تحول در دل بحران نهفته است، با بازشناسی فرهنگ‌های محلی و تقویت روایت‌های ملی، زمینه پویایی و احیای هویت فراهم شد و حال زمان آن فرا رسیده که با سیاستگذاری صحیح و اندیشه نو به تقویت هویت فرهنگی و بازسازی آن بر اساس مؤلفه‌های فرهنگی موجود و گاه رو به فراموشی، پرداخت.

■ راهکارها:

- تولید آثار هنری بومی و مردمی پیرامون رنج و امید با

جنگ توجه نکرده‌ایم.

دو عامل مهم موجب این بی‌توجهی شده است. یک دلیل این است که فهم ما از تجدد و مدرنیته فهم تک‌بعدی‌ای است. ما مدرنیته را تاریخ رشد و پیشرفت عقلانیت می‌دانیم. کمتر با سویه جنگاورانه و استعمارگرانه غرب مواجه شده‌ایم. محدود ترجمه‌هایی در این زمینه وجود دارد. حتی در ادبیات علوم اجتماعی در جهان در این رابطه کارهایی صورت گرفته که ما آن را با ادبیات پسا استعماری می‌شناسیم، اما در ایران رشته مطالعات فرهنگی دروس ادبیات پسا استعماری را پوشش نمی‌دهد. این امر نشان‌دهنده این است که ما غرب را از این زاویه خیلی مورد بررسی قرار ندادیم. غرب را نماد عقلانیت، گفت‌وگو، قرارداد اجتماعی و... می‌دانیم. طبق این نگرش جنگ را یک استثنا در فرهنگ مدرن در نظر می‌گیریم. ادبیات جنگ در غرب بسیار قدرتمند است. افرادی مانند اشمیت در ابتدای قرن بیستم این سویه اندیشه غرب را برجسته می‌کنند. این نگاه حتی روی ویر تأثیر می‌گذارد. به طور مثال ویر دولت را به مثابه انحصار خشونت قانونی در یک محدوده جغرافیایی تعریف می‌کند. او جمله جالبی دارد و می‌گوید انضباط نظامی، مادر همه انضباطها است. بحث ویر عمدتاً ناظر به سرمایه‌داری و بروکراسی در دوران مدرن است و می‌خواهد نشان دهد که این سویه‌های مدرن برآمده از آن نظم نظامی است.

جالب است که ما در ایران به این ابعاد ویر بی‌توجه هستیم. حتی در فلسفه هم دو نوع نگاه به جنگ وجود دارد. اصحاب قرارداد اجتماعی مخالف جنگ هستند، اما فیلسوفانی مانند هگل جنگ را تقدیس می‌کنند و آن را یکی از عوامل رشد جامعه می‌دانند. هگل معتقد است که جنگ آن قدر می‌تواند به جامعه کمک کند که حتی جنگ پیش‌دستانه در مواردی گزینه درست است. نیچه هم اساساً رشد فرهنگ را معطوف به جنگ می‌داند و جنگ را باعث شکل‌گیری فرهنگ عالی قلمداد می‌کند. او ابرمرد را کسی می‌داند که اوج اراده معطوف به غلبه در او جریان دارد. عامل دیگری که موجب بی‌توجهی ما به جنگ بوده این است که اساساً علوم انسانی در ایران غیر تاریخی هستند و نسبتی با تاریخ برقرار



تاکید بر هویت فرهنگی اقوام ایرانی

- تقویت گفتگوهای میان فرهنگی برای نزدیک‌تر کردن اقوام و نسل‌ها به یکدیگر
- توجه به اسطوره‌ها و نمادهای تاریخی ایران جهت پیوند گذشته و حال

سرمایه اجتماعی، پشتوانه عبور از بحران

- در نظریه پاتنام و بورديو، سرمایه اجتماعی همان سرمایه ناپیدا اما حیاتی پیوندها و اعتماد اجتماعی است که موجب تاب‌آوری جامعه در برابر شوک‌ها می‌شود.
- تضعیف اعتماد عمومی، گسترش واگرایی و فرسایش مشارکت مدنی از مهم‌ترین تبعات فرهنگی جنگ است.
- در عین حال، همین تهدید می‌تواند فرصت بازتعریف سرمایه اجتماعی و بازسازی مشارکت را فراهم کند. کلمن تاکید می‌کند شبکه‌های انسانی و مدنی می‌توانند مانند ستون فقرات جامعه عمل کنند، به شرط آن‌که فرصت گفتگو، اعتمادسازی و مسئولیت دسته‌جمعی جدی گرفته شود.
- در چنین شرایطی تکرار برخی رفتارهای ناصحیح و تقسیم بندی آحاد مردم جامعه می‌تواند این سرمایه ارزشمند را دچار چالش نماید. حال که بخش عمده‌ای از جامعه با همدلی مثال زدنی، یک صدا در مقابل تهدید دشمنان ایستادند، حفظ و تقویت سرمایه اجتماعی که می‌توان آن را به نوعی میراث ناملموس جنگ نامید و یکی از مهمترین اقدامات در مدیریت فرهنگی جامعه محسوب می‌شود.

راهکارها

- بازطراحی و فعال‌سازی کمپین‌های همیاری و همدلی اجتماعی
- جلب مشارکت اصحاب فرهنگ، هنر و ورزش در برنامه‌های التیام‌بخش
- حمایت از تشکل‌های مردمی، سازمان‌های مردم‌نهاد و گروه‌های داوطلب، از طیف‌ها و سلايق و گرایش‌های مختلف
- جلوگیری از هرگونه رفتارهای افراطی از سوی گروه‌ها و نهادها که باعث گسستگی سرمایه اجتماعی می‌شود

رسانه، روایت و جنگ ادراکات

- جنگ امروز، جنگ روایت‌هاست. همان‌گونه که جوزف نای در نظریه قدرت نرم بیان می‌کند، مدیریت ادراک عمومی مهم‌ترین بعد قدرت در عصر جدید است.
- مقاله "جنگ روایت‌ها ادامه دارد" به درستی نشان داد که کمی بعد از توقف گلوله‌ها، کارزار اصلی در جبهه رسانه و بازنمایی حقیقت، امید و حافظه جمعی شروع می‌شود.
- ضعف روایت ملی، سیطره روایت رقیب و استفاده هوشمندانه دشمن از شبکه‌های اجتماعی، می‌تواند سرمایه اجتماعی را تضعیف کند؛ در مقابل، مدیریت حرفه‌ای رسانه، تولید محتوای چند وجهی و مشارکتی، پرهیز از تک‌گویی و استقبال از روایت‌های متکثر اما هم‌گرا، کلید شکست حصر ادراکی است.
- از طرفی تقویت سواد رسانه‌ای و سواد فرهنگی می‌تواند در تجدید قوای ملی، یکی از بهترین راهکارهای مقابله با جنگ نرم محسوب شود.

راهکارها

- نوسازی زبان و ادبیات رسانه ملی و حرکت در مسیر واقعی واژه رسانه ملی

- بهره‌گیری هدفمند از روایت‌های هنری، مستند، مجازی و بومی - تربیت و حمایت از نسل جدید روایت‌گران و فعالان فرهنگی در رسانه‌ها با توجه جدی به تقویت سواد رسانه‌ای و سواد فرهنگی - دوری از پروپاگاندا و تعامل فعال با روایت‌های انتقادی اما سازنده

تطبیق و عبرت، تجربه جهانی و ایران

مطالعه تجربه کشورهای نظیر ژاپن و آلمان پس از جنگ‌های بزرگ نشان می‌دهد که بازسازی هویت و سرمایه اجتماعی جز با راهبردهای فرهنگی آموزشی، حمایت حداکثری از جامعه مدنی و روایت‌پردازی امیدآفرین ممکن نیست و در ایران نیز زمانی این امر محقق خواهد شد که فرهنگ مقاومت، بازآفرینی هنری و توسعه تشکل‌های مردمی، هم‌افزا شوند.

راهبردهای اجرایی برای سیاست‌گذاران فرهنگی

تحولات اخیر نشان داده است که مدیریت فرهنگی، اگرچه معمولاً در سایه سیاست و اقتصاد قرار می‌گیرد، اما در بزنگاه‌های تاریخی می‌تواند نقش تعیین‌کننده‌ای در انسجام ملی و بازسازی اعتماد عمومی ایفا کند. برای رسیدن به چنین جایگاهی، سیاست‌گذاران فرهنگی نیازمند راهبردهایی چندسطحی و واقع‌بینانه‌اند.

۱. سطح کلان: بازتعریف افق فرهنگی کشور

- تدوین اسناد فرهنگی واقع‌گرایانه، منعطف و آینده‌نگر
- نوسازی سیاست‌های رسانه‌ای و ایجاد بسترهای پایدار برای گفت‌وگوی اجتماعی
- تقویت دیپلماسی فرهنگی فعال و تعامل سازنده با نخبگان جهانی

این سطح، ستون فقرات سیاست‌گذاری فرهنگی است؛ جایی که روایت ملی، تصویر بین‌المللی و جهت‌گیری کلان فرهنگی شکل می‌گیرد.

۲. سطح میانه: توانمندسازی نهادهای اثرگذار

- حمایت مادی و معنوی از تولیدات هنری و رسانه‌ای

مرتبط با هویت فرهنگی و انسجام ملی

- تقویت و ساماندهی نهادهای مردم‌نهاد مؤثر در افزایش سرمایه اجتماعی

- سرمایه‌گذاری هدفمند بر آموزش‌های امیدمحور و ارتقای سواد رسانه‌ای

در این سطح، نهادهای واسط میان دولت و جامعه نقش کلیدی دارند؛ نهادهایی که می‌توانند انرژی اجتماعی را به سمت مشارکت و همبستگی هدایت کنند.

۳. سطح خرد: بازسازی اعتماد از پایین به بالا

- آموزش مهارت‌های مشارکت و گفت‌وگوی مدنی در خانواده و مدرسه
- شناسایی و حمایت از کنشگران واقعی فرهنگ، هنر و رسانه
- تقویت اعتماد عمومی از مسیر گفت‌وگو، شفافیت و مسئولیت‌پذیری

اینجا نقطه تماس مستقیم سیاست فرهنگی با زندگی روزمره مردم است؛ جایی که اعتماد، مشارکت و هویت جمعی شکل می‌گیرد. برخی تحلیل‌ها معتقدند که جنگ ۱۲ روزه ایران و اسرائیل می‌تواند به‌عنوان یک نقطه عطف فرهنگی نیز خوانده شود؛ مشروط بر آنکه ضعف‌ها با شجاعت دیده شوند و فرصت‌های فرهنگی به‌درستی فعال گردند. آینده از آن ملت‌هایی است که در کنار تأمین امنیت، توان بازسازی هویت جمعی، اعتماد عمومی و روایت ملی خود را دارند.

مدیریت فرهنگی ایران اکنون در لحظه‌ای تعیین‌کننده ایستاده است؛ یا می‌تواند آغازگر موجی تازه در تقویت سرمایه اجتماعی، هویت‌سازی نوین و ارائه روایتی امیدبخش از ایران آینده باشد، یا در برابر تهدیدات خاموش و فرساینده منفعل بماند. این نوسازی، بیش از هر چیز، نیازمند افقی فرهنگی و هنری و آشتی دوباره ملت با خود و تاریخش است.



بخش سوم

زنان

الف) زنان؛ میراث‌داران پرچم و روایت

ب) زن ایرانی در جنگ دوازده‌روزه ستون خیمه مقاومت بود

ج) زن ایرانی در جنگ روایت‌ها



فاطمه عمادی مقدم

کارشناسی شیمی محض

دانشگاه شیراز

زنان؛ و

میراث‌داران پرچم و روایت

از دفاع مقدس تا جنگ ۱۲ روزه؛ بازخوانی نقش
زن ایرانی در میدان‌های مقاومت و معنا

می گذارند؛ اما در میان این ویرانی‌ها، جلوه‌هایی ماندگار و آموزنده نیز شکل می‌گیرند. یکی از این جلوه‌ها، هنرنمایی زنان ایرانی در میدان نبرد است.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی، ایران بار دیگر با جنگ تحمیلی از سوی رژیم کودک‌کش مواجه شد و عرصه برای حماسه آفرینی عظیم زنان ایرانی فراهم گشت. زنانی که نه تنها در طول ۸ سال دفاع مقدس سربلند بیرون آمدند، بلکه حالا مادران و

در میان ویرانی‌های جنگ، همیشه چیزی فراتر از دود و آتش باقی می‌ماند؛ روایت. زنان ایرانی در دو تجربه تاریخی دفاع مقدس و جنگ ۱۲ روزه نشان دادند که نه تنها حافظان این روایت‌اند، بلکه خود آن را می‌سازند. آنان از موضوع روایت به راوی تبدیل شدند؛ صدایی که میان گذشته و آینده پل می‌زند. جنگ‌ها در طول تاریخ، صحنه‌های ناخوشایندی بر جای

خوبی مدیریت کردند.

اگر در دفاع مقدس، زنان موضوع روایت بودند و جلوه‌هایی از صبر، ایثار و مقاومت داشتند، در جنگ ۱۲ روزه خود راوی حوادث شدند؛ صدای خشم، ترس، اعتراض و امید آنان به وضوح شنیده شد. در نگاه رهبر انقلاب، زنان دوران دفاع مقدس در سطح ملی حماسه آفریدند، اما زنان جنگ ۱۲

روزه الگویی زنده و جهانی از استقامت و کنشگری شدند. نقش زنان امروز در روایت جنگ از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است؛ به ویژه در مواجهه با نسل جوان که فاصله احساسی و مفهومی با جنگ دارد.

این روایت‌های زنده و ملموس زنانه، پلی است میان گذشته و آینده و انتقال دهنده اصالت، ایثار و حضور فعال زنان ایرانی در تمام میدان‌ها است.

دخترانی را پروراندند که میراث‌دار این پرچم شدند.

بررسی جایگاه زنان در جنگ دفاع مقدس و جنگ ۱۲ روزه نشان دهنده تفاوت‌های مهمی است. **در دفاع مقدس، جامعه نوپای انقلابی با جنگ فرسایشی مواجه بود و زنان، جنگ را نه فقط به عنوان بحران، بلکه به مثابه ادامه انقلاب تجربه می‌کردند.**

حضور فعال و مستمر آنان در این بستر، آن‌ها را با فقدان ممتد، کمبودها و ترس‌ها مواجه ساخت و تربیت کرد تا آرمان‌خواهی مقدس را در عمل تجربه کنند.

در مقابل، جنگ ۱۲ روزه تجربه‌ای ناگهانی و سریع بود؛ زنان امروز باید بحران را معنا می‌کردند و کنشگری می‌کردند، فعالیت‌هایی که پیش‌تر کمتر به آن پرداخته شده بود. آن‌ها نه تنها در خطوط پشت جبهه حضور داشتند، بلکه در خط مقدم نیز فعال شدند و مقاومت مدنی و فعالیت‌های نرم را به





محمد محمدی

کارشناسی ارشد سینما

دانشگاه شیراز

۶۹

زن ایرانی در جنگ دوازده‌روزه ستون خیمه مقاومت بود

مصاحبه با سرکار خانم مریم عرفانیان نوروژاده

جنگ دوازده‌روزه فقط در آسمان و جبهه‌های نظامی جریان نداشت؛ در خانه‌ها، پناهگاه‌ها و دل زنانی ادامه داشت که هم‌زمان مادر بودند، پرستار بودند و ستون روانی خانواده و محله. مریم عرفانیان، نویسنده حوزه ادبیات دفاع مقدس، در مصاحبه با هفته‌نامه عهد با نگاهی زنانه و تحلیلی، از جنگی می‌گوید که زنان ایرانی آن را با صبر، مدیریت، ایمان و مقاومت زیستند.

■ اگر بخواهیم جنگ دوازده‌روزه را از زاویه «زن ایرانی» روایت کنیم، اولین تصویر یا موقعیتی که به ذهن شما می‌آید چیست؟

اولین تصویر، زنی است که در دل موشک‌باران، فرزندانش را در آغوش گرفته و هم‌زمان که دل خودش می‌لرزد، به آن‌ها آرامش می‌دهد. زنانی که در آن روزها خانه و حتی پناهگاه را به فضایی برای مقاومت تبدیل کردند؛ جایی که باید امن می‌بود، پشتیبان می‌بود و امید می‌ساخت.

در بیمارستان‌ها نیز این زنان بودند که از مجروحان پرستاری می‌کردند. آن‌ها نقش‌های چندوجهی داشتند؛ هم مادر بودند، هم خواهر، هم شهروند مقاوم. بسیاری نگران جان فرزندان‌شان بودند، در عین حال به زخمی‌ها رسیدگی می‌کردند یا در محله‌ها غذا

آماده می‌کردند. می‌توان گفت بار عاطفی و عملی جنگ، به‌طور چشمگیری بر دوش زنان قرار داشت. حتی فضاهای به‌ظاهر ساده‌ای مثل حیاط خانه، به عرصه‌ای بینابینی بدل شد؛ جایی میان حریم خصوصی و فضای عمومی بحران. حیاط، سنتی‌ترین قلمرو زنانه، در آن روزها به نوعی مرکز فرماندهی پشتیبانی غیررسمی تبدیل شده بود.

■ آیا می‌توان گفت زن ایرانی در این جنگ، هم‌زمان در چند جبهه می‌جنگید؛ از خانواده گرفته تا روان جامعه و ایمان؟

بله، به‌طور قطع. زن ایرانی در آن جنگ کوتاه اما شدید، در جبهه‌هایی می‌جنگید که فراتر از خط مقدم نظامی بود. نخست، جبهه خانواده و حریم خصوصی؛ جایی که باید رعب و هراس را مدیریت می‌کرد و برای کودکان، احساسی از امنیت - هرچند موقت و کاذب - می‌ساخت. توضیح مفهوم جنگ و شهادت به زبان کودکان، خود نوعی مجاهدت روانی بود. جبهه دوم، جبهه روانی و عاطفی بود؛ زن باید اضطراب شخصی‌اش را مهار می‌کرد تا فضای خانه فرو نریزد. در بسیاری از موارد، امکان سوگواری طبیعی وجود نداشت، چون شرایط بحرانی اجازه توقف نمی‌داد و زن ناچار به «عمل کردن» بود. در سطحی گسترده‌تر، جبهه اجتماعی و روان جامعه شکل می‌گرفت. زنان محله‌ها نقش مهمی در حفظ انسجام محلی داشتند؛ از تقسیم کار و منابع گرفته تا انتقال خبر در زمان‌هایی که ارتباطات رسمی مختل می‌شد. آن‌ها به نوعی قلب تپنده امید در شبکه‌های خویشاوندی و همسایگی بودند.

جبهه دیگر، جبهه ایمان و معنویت بود. دعاها، جمعی، فقط برای تسلی نبود؛ بلکه ابزاری برای ایجاد انسجام و نیروی روانی محسوب می‌شد. زنان تلاش می‌کردند معنای شهادت عزیزان را در چارچوبی قابل تحمل بازتعریف کنند و از باورهای مذهبی برای مقابله با حس بی‌پناهی بهره بگیرند.

در مجموع، زن ایرانی در آن دوره «چندپاره‌ای سراسر مقاومت» بود؛ هم دل‌دار می‌داد، هم دل‌شوره داشت، هم دل‌قوی نشان می‌داد و هم دل به دریا می‌زد. جنگ نظامی دوازده روز طول کشید، اما جنگ چندجبهه‌ای زنان، بسیار فراتر از آن ادامه یافت؛ در روان، در خاطرات جمعی و در بازتعریف هویت زنانه پس از جنگ.



■ به نظر شما کدام تجربه زنانه در جنگ دوازده‌روزه هنوز روایت نشده یا کمتر دیده شده است؟

یکی از خاموش‌ترین و کمتر روایت‌شده‌ترین تجربه‌ها، تجربه زنان محلات حاشیه‌نشین و فرودست شهری است. زنانی که پیش از جنگ هم با فقر ساختاری، ناامنی غذایی و محرومیت دست‌وپنجه نرم می‌کردند و جنگ، فاجعه‌ای بر فاجعه‌های قبلی آن‌ها افزود بسیاری از مردان این محلات، کارگران روزمزد یا فصلی بودند که با شروع جنگ، کار خود را از دست دادند. زنان نه تنها نگران بمباران، بلکه نگران قحطی و تأمین نان روزانه بودند و ناچار می‌شدند برای تهیه مایحتاج اولیه، در شرایط ناامن به خیابان‌ها بروند. در این میان، تعداد زنان سرپرست خانوار نیز کم نبود. جنگ فشار مضاعفی بر آن‌ها وارد کرد؛ زنانی که بدون هیچ شبکه امن اجتماعی، باید فرزندان‌شان را در میانه بمباران زنده نگه می‌داشتند. این تجربه‌ها هنوز به‌درستی در روایت رسمی جنگ دیده نشده است.

■ آیا ادبیات و رسانه ما توانستند به‌موقع روایت زنانه این جنگ را ثبت کنند؟

در حوزه ادبیات، به‌دلیل ماهیت زمان‌بر چاپ کتاب، امکان ثبت فوری وجود نداشت و بیشتر نشریات توانستند تا حدی به این روایت‌ها بپردازند. رسانه‌ها عمدتاً درگیر گزارش لحظه‌ای اخبار بودند، اما در این میان، رسانه ملی با بازتاب رجزخوانی قهرمانانه خانم امامی، توانست نمونه‌ای شاخص از روایت زنانه مقاومت را به‌درستی منعکس کند.

■ زنان؛ حافظان زندگی در دل بحران

روایت جنگ دوازده‌روزه بدون شنیدن صدای زنان، روایتی ناقص و یک‌سویه است. زنانی که در سکوت خانه‌ها، در اضطراب بیمارستان‌ها و در همبستگی محله‌ها، جنگی چندجبهه‌ای را پیش بردند و اجازه ندادند زندگی فروپاشد. اگر ادبیات و رسانه بخواهند تصویری ماندگار و صادقانه از این جنگ به حافظه جمعی بسپارند، ناگزیرند به این تجربه‌های زنانه بازگردند؛ تجربه‌هایی که نشان می‌دهد مقاومت فقط در میدان نبرد شکل نمی‌گیرد، بلکه گاه در آغوش مادری است که زیر آژیر خطر، زندگی را حفظ می‌کند.

فائزه ریاحی

کارشناسی ارشد پژوهش فرش

دانشگاه شیراز



۶۹

زن ایرانی در جنگ روایت‌ها

بازخوانی تصویر زنان در جنگ دوازده‌روزه

و گفت‌وگو با ساحل قره‌حسنلو

با حمله رژیم صهیونیستی به ایران در ۲۳ خرداد ۱۴۰۴، جامعه ایرانی وارد مرحله‌ای تازه از مواجهه با بحران شد؛ مرحله‌ای که محدود به میدان نظامی نماند و ابعاد اجتماعی، فرهنگی و رسانه‌ای گسترده‌ای پیدا کرد. در جریان این جنگ دوازده‌روزه، صحنه‌هایی از ایستادگی و مدیریت بحران در کشور ثبت شد، اما در کنار آن، خسارت‌هایی از جمله شهادت نخبگان، رزمندگان و شهروندان غیرنظامی نیز بر جای ماند.

همین وضعیت دوگانه، جنگ اخیر را به نقطه‌ای برای بررسی در برخی مسائل اساسی تبدیل کرد؛ مسائلی که لازم است بیشتر به آن‌ها پرداخته شود. یکی از مهم‌ترین این موضوعات، جایگاه زن ایرانی در روایت رسانه‌ای بحران‌های ملی است.

■ زن در گفتمان کرامت و واقعیت رسانه‌ای

در گفتمان انقلاب اسلامی، زن به‌عنوان حافظ کرامت و امانت‌دار ارزش‌های انسانی شناخته می‌شود؛ کرامتی که در نقش‌های اجتماعی، خانوادگی و تاریخی او نمود دارد. با این حال، بررسی روایت‌های رسانه‌ای جنگ دوازده‌روزه نشان می‌دهد که تمرکز اصلی بر جنبه‌های احساسی و عاطفی زنان بوده است.

پس از پایان جنگ، بسیاری از روایت‌ها به مظلومیت، صبر و فداکاری زنان پرداختند. این تصویر بخشی از واقعیت را نشان می‌دهد، اما همه آن نیست. پرسش اینجاست که آیا صدای کنشگری، تصمیم‌سازی و حضور فعال زنان در این بحران به‌درستی شنیده شد؟ «چرا ستون‌ها همیشه در سایه‌اند؟»

ساحل قره‌حسنلو، نویسنده جوان، در گفت‌وگویی با محوریت همین پرسش‌ها، به تجربه زیسته خود از حضور زنان در بحران‌ها اشاره می‌کند. در پاسخ به این سؤال که «تجربه شما از حضور زنان در بحران‌ها و جنگ‌ها چگونه شکل گرفت و چه تأثیری روی نگاه شما به جامعه داشت؟» می‌گوید: «تجربه من از دل روایت‌های رسمی و خطی نیامده؛ از دیدن زنانی شکل گرفته که در حاشیه‌ی بحران‌ها ایستادند اما ستون اصلی زندگی بودند. زنانی که دیده نمی‌شدند، اما نبودشان همه‌چیز را فرو می‌ریخت. آن‌ها هم‌زمان داغ‌دار، مدیر خانواده، پرستار، معلم و پناه دیگران بودند؛ اما هیچ‌کدام از این نقش‌ها برایشان عنوان قهرمانی نداشت، فقط ضرورت بود.» او تأکید دارد که این تجربه، نگاهش به جامعه را تغییر داده است: «فهمیدم جامعه‌ای که روایت زنانش را حذف می‌کند، دچار ناآگاهی است. در عین حال دیدم همین جامعه چطور روی دوش همان زنان سرپا می‌ماند. این تناقض، برای من تبدیل به پرسش شد: چرا ستون‌ها همیشه در سایه‌اند؟»

■ ادبیات کنش‌های کم‌صدا ثبت می‌کند

قره‌حسنلو معتقد است ادبیات می‌تواند بخشی از خلأ روایت رسانه‌ای را پر کند. در پاسخ به این پرسش که «به‌عنوان نویسنده، چگونه از ادبیات برای بازنمایی حضور فعال زنان استفاده می‌کنید؟» توضیح می‌دهد: «در نوشتن، زن را به‌عنوان انسان تصمیم‌گیر نشان می‌دهم، نه نماد یا شعار. به کنش‌های کوچک اما سرنوشت‌ساز علاقه دارم؛ تصمیم‌هایی که در آشپزخانه، پناهگاه، بیمارستان یا سکوت شب گرفته می‌شوند. این کنش‌ها مسیر زندگی را عوض می‌کنند، حتی اگر دیده نشوند.»

■ احساس در مرحله تصمیم‌گیری ارزش مثبت دارد

در روایت زنان، مرز میان احساس و کنشگری همواره محل چالش بوده است. قره‌حسنلو در این باره می‌گوید: «احساس را ضعف زن نمی‌دانم. زن روایت من ممکن است بترسد یا گریه کند، اما این توقف نیست؛ این مرحله تصمیم‌گیری است. گریه همیشه پایان نیست؛ گاهی آغاز حرکت است.»

به باور او، ادبیات معاصر ایران تلاش‌هایی برای نزدیک شدن به این واقعیت انجام داده، اما همچنان با خلأ مواجه است. «ما یا با زن قربانی روبه‌رو هستیم یا با زن اسطوره‌ای. زنان واقعی در میانه این دو قرار دارند؛ با تناقض، خستگی، قدرت و اشتباه.»

■ سحر امامی؛ نمونه‌ای از روایت موفق

در جریان جنگ اخیر، روایت سحر امامی توانست بازتاب گسترده‌ای در فضای عمومی پیدا کند. روایتی که از فضای مجازی فراتر



رفت و در تابلوهای شهری و تصاویر مردمی دیده شد؛ تصویری از بانویی که با حفظ کرامت و لطافت زنانه، حضوری فعال در میدان داشت و الگویی عینی از زن ایرانی ارائه داد.

■ ضرورت بازنگری رسانه‌ای

قره‌حسنلو در پاسخ به این پرسش که «چه تصویری باید برای نسل‌های آینده ثبت شود؟» می‌گوید: «می‌خواهم تصویری ثبت شود از زنی که در ویرانی، امکان ادامه را خلق می‌کند؛ زنی اندیشمند، خلاق و اثرگذار. زنی که فقط نماندند، بلکه مسیر ساختند.» جنگ دوازده‌روزه بار دیگر نشان داد که بدون روایت دقیق و چندلایه از زنان، تصویر جامعه ناقص می‌ماند. بررسی دقیق‌تر و صحیح‌تر در سیاست‌های رسانه‌ای و تولید محتوا، ضرورتی است که می‌تواند از شکل‌گیری خلأهای تاریخی و فرهنگی جلوگیری کند؛ خلأهایی که در بلندمدت، تصمیم‌سازی‌های کلان اجتماعی و سیاسی را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهند.



علم

سال ۱۵ ، شماره ۱۹۳ ، پاییز ۱۴۰۴